



آزادی دین



اقلیت های مذهبی در ایالات متحده آمریکا

وزارت امور خارجه ایالات متحده / اداره برنامه های اطلاعات بین المللی

U.S. DEPARTMENT OF STATE / BUREAU OF INTERNATIONAL INFORMATION PROGRAMS





وزارت امور خارجه ایالات متحده / اوت 2008
جلد 13 / شماره 8

<http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html>

اداره اطلاعات بین المللی:

هماهنگ کننده: جرمی اف کورتین
تدوینگر اجرایی: جانان مارگولیس

کارگردان هنری: جرج کلاک
سردبیر: ریچارد دبلیو هاگابی
مدیر تدوین: الکساندرا ام ابود
دستیار مدیر تدوین: شارلن پورتر
مدیر تولید: سوزان آل داور
دستیار مدیر تولید: سیلویا اسکات
تهیه کننده تارنما: جاتین پری

سردبیر کپی: روزالی تارگونسکی
تدوین تصاویر: مگی جانسون اسلیکر
طراح روی جلد: تیموتی براون
متخصص منابع: مارتین منینگ

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه ایالات متحده هر ماه يك مجله الكترونيكي تحت عنوان مجله الكترونيكي ایالات متحده آمریکا (eJournal USA) منتشر می کند. این مجلات مسائل مهم پیش روی ایالات متحده و جامعه بین المللی، و همچنین جامعه، ارزشها، افکار و موسسات ایالات متحده را مورد بررسی قرار می دهند.

هر ماه يك مجله جدید به زبان انگلیسی منتشر می شود و سپس نسخه های آن به زبان های فرانسه، پرتغالی، روسی و اسپانیایی انتشار می یابند. بخش های منتخبی از آنها به زبان های عربی، چینی و فارسی منتشر می شوند. هر مجله بر اساس شماره و جلد آن مشخص می شود.

آرا و نظرات مطرح شده در این مجله ها لزوماً نشان دهنده دیدگاه ها و یا سیاست های دولت ایالات متحده نمی باشد. وزارت امور خارجه در قبال محتویات و امکان دسترسی دایمی به تارنماهای اینترنتی که بازدیدکنندگان را به این مجله ها ارجاع می دهند، هیچ مسئولیتی ندارد؛ اینگونه مسئولیت ها صرفاً مربوط به ناشرین آن تارنماها می باشد. امکان چاپ مجدد و ترجمه مقالات، عکس ها و تصاویر این مجله ها در خارج از ایالات متحده وجود دارد، مگر اینکه به طور صریح به محدودیت های حق چاپ انحصاری اشاره شده باشد، که در چنین مواردی باید از دارنده حق چاپ انحصاری ذکر شده در مجلات کسب اجازه گردد.

اداره برنامه های اطلاعات بین المللی وزارت امور خارجه نسخه های کنونی و قبلی این مجلات را در قالب های مختلف الكترونيكي در آدرس اینترنتی:

<http://www.america.gov/publications/ejournalusa.html>

در دسترس قرار داده شده است. نظرات و پیشنهادات خود را می توانید به سفارت آمریکا در منطقه خودتان و یا به هر يك از دفاتر ویراستاری ارسال نمایید:

Editor, *eJournal USA*
IIP/PUBJ
U.S. Department of State
4th Street, SW 301
Washington, DC 20547
United States of America
E-mail: eJournalUSA@state.gov

تصویر روی جلد: بیش از 110.000 نفر از منونایت ها در ایالات متحده بخشی از جنبش مسیحیان پروتستان مخالف تعمد هستند، اولین پیروان این فرقه در قرن هفدهم از اروپا به ایالات متحده آمدند. خانواده هاوارد در اسپارٹا، واقع در ایالت تنسی، در خانه سرود مذهبی می خوانند. © تصاویر AP / اهالی تنسی، جان پارتیپلو

درباره این شماره

«کنگره در خصوص ایجاد مذهب، یا منع پیروی آزادانه از آن

هیچ قانونی وضع نمی‌کند.»



رهبران روحانی از گروه های ادیان مختلف برای شرکت در مراسم وحدت مذهبی برای صلح، به واشنگتن دی سی می آیند.

© AP Images/Marcy Nighswander

اولین کنگره آمریکا، متمم اول قانونی را به عنوان بخشی از منشور حقوق در سال ۱۷۹۱، زمانی که خاطره جنگ استقلال هنوز تازه بود به قانون اساسی افزود. ولی مفهوم آزادی مذهبی حتی از خود کشور هم قدیمی تر است.

بیش از یک قرن پیش در سال ۱۶۵۷ شهروندان فلاشینگ نیویورک، یک محله هلندی با اعدام کواکرها توسط فرماندارشان که همه مذاهب به غیر از مذهب خود را ممنوع اعلام کرده بود، اعتراض کردند. آنها مخالفت هایشان را در سندی به نام «اعتراضنامه فلاشینگ» بر روی کاغذ آوردند. بعضی از آنها به خاطر اعتراضشان در زندان حبس شدند و سالها گذشت تا آزادی مذهب در شهر آنها برقرار شد.

امروزه در فلاشینگ نیویورک بیش از دویست عبادتگاه در میان چند کیلومتر مربع شکفته اند و از شهروندان شجاع مستعمره قرن هفدهم به عنوان بعضی از اولین آمریکایی هایی که برای حمایت از آزادی مذهب، که اکنون بیش از ۳۰۰ میلیون آمریکایی قرن بیست و یکم از آن بهره مند هستند، سرسختانه ایستادگی کردند، یاد می شود. اکنون اعضا کلیساها، معابد، کنیسه ها، مساجد و هزاران عبادتگاه های دیگر در سراسر کشور، هر چقدر هم که کوچک باشند، با دانستن اینکه حق عمل به دین انتخابی خود توسط اولین متمم قانون اساسی محافظت می شود و در بافت اجتماع آمریکایی تنیده شده است، عبادت می کنند. از دیگر اعضای جامعه نیز که هیچ مذهبی را برنگزیده اند، به همان اندازه محافظت می شود.

ولی گاه در کشور پر تنوعی مانند ایالات متحده، افراد و موسسات ممکن است با هم تصادم پیدا کنند و ممکن است نیاز باشد که مرزهای آزادی مذهبی دوباره تعریف شوند. وقتی چنین اتفاقی می افتد آمریکایی ها به «دیوان عالی» روی می آورند و چاره می جویند. آنگاه دادگاه ها، حتی دیوان عالی به وظایف قانونی خود عمل خواهند کرد تا تصمیم بگیرند که

اصول بنیادین مانند آزادی مذهب چگونه می تواند در کشوری که جمعیت آن از هنگام نوشتن اولین متمم قانون اساسی، صد برابر شده، حفظ شود.

این احکام صادره دادگاه ها بر فعالیت های روزمره در مدارس، بیمارستان ها، محل های کار و دیگر محل های عمومی تاثیر می گذارند. احترام و بردباری با مذاهب گوناگون در حالی که انسان های نا کامل سعی می کنند به آنچه که در امریکا معمولاً به عنوان اصولی تخطی ناپذیر و مقدس در نظر گرفته می شود وفادار بمانند، به محک آزمایش گذاشته می شود.

امروزه قلب این کشور با نیروی حیات موج جدیدی از مهاجران و ترکیب فرهنگی منحصر به فرد خود می تپد. در این روزگار، اصل آزادی مذهب احتمالاً با آزمون های جدیدی مواجه خواهد بود ولی متخصصان برجسته که درباره مسائل مطرح شده در این صفحات بحث می کنند، مطمئن هستند که اقلیت های مذهبی در قرن بیست و یکم و پس از آن نیز از حمایت و حفاظت متمم قانون قرن هجدهم درباره اصل آزادی مذهب بهره خواهند برد.

- هیئت سردبیری



وزارت امور خارجه ایالات متحده آمریکا / آگوست ۲۰۰۸ / جلد ۱۳ / شماره ۸
<http://www.america.gov/publications/ejournals.html>

نقش اعتماد اجتماعی

3 وفاداری به قول آزادی مذهب
نوشته دیانا ال اک، برگرفته از کتاب: *آمریکای مذهبی نو*
در حالیکه ایالات متحده به عنوان گوناگون ترین جامعه مذهبی دنیا شناخته شده است، مردم با اعتقاد های مختلف به یک واقعیت جغرافیایی- مذهبی متفاوت خو می گیرند.

7 چندگونگی مذهبی در آمریکای قدیم
نوشته کاترین ال آلبانزه، برگرفته از کتاب: *جمهوری ذهن و روح: تاریخ فرهنگی ادیان متافیزیکی آمریکا*
تنوع مذهبی در ایالات متحده از دوران مستعمراتی ریشه می گیرد و سنت بردباری مذهبی تاریخی طولانی در این کشور دارد.

12 مذهب به روایت جمعیت
نوشته برایان جی گریم و دیوید ماسی، که هر دو جز اعضا ارشد تحقیقات فوروم پیو درباره مذهب و زندگی اجتماعی هستند.
تقریباً ۸۰ درصد جمعیت آمریکا مسیحی هستند، ولی سایر مذاهب دنیا شمار فزاینده ای از پیروان آمریکائی را به دست می آورند.

قانون

17 آزادی برای انجام شعائر دینی و دادگاه ها
نوشته اندرو سی اسپیروپولوس، استاد حقوق و رییس مرکز مطالعات قانون اساسی ایالتی و دولت، دانشکده حقوق دانشگاه اوکلاهما سیتی
اختلافات و ستیزه های فرضی بین افراد و حکومت های محلی نشان می دهند که با چگونگی تصمیم گیری دادگاه ها آیا قوانین، آزادی مذاهب را نقض می کنند.

22 ماده اختیار دادگاه: احکام حائز اهمیت دیوان عالی
خلاصه بیش از یک قرن تصمیمات قضائی، مشاجرات مربوط به معنی آزادی مذهب را حل کرد.

24 محافظت از آزادی مذاهب در سطح بین المللی:
یک توافق جهانی
نوشته جان هانفورد سوم، سفیر سیار وزارت امور خارجه ایالات متحده برای آزادی مذاهب در سطح بین المللی
ایالات متحده آمریکا، دولت های جهان را، برای حراست از آزادی های مذهبی و نظارت بر وضعیت اقلیت های مذهبی تشویق می کند.

دین در عمل

26 ایجاد توازن میان کار و مذهب
نوشته کریستوفر کانل، روزنامه نگار
گوناگونی فزاینده مذهبی در ایالات متحده در بسیاری از محیط های کار، به مسئله بحث انگیزی تبدیل شده است.

30 جنبش میان مذهبی
نوشته گوستاو نیبور، نویسنده کتاب: *فراسوی مدارا: در جستجوی درک میان مذهبی در آمریکا*
گروه های جامعه های مذهبی در سراسر آمریکا، برای حل اختلافات و ایجاد تفاهم، با هم ارتباط حاصل می کنند.

34 منابع بیشتر

وفاداری به قول آزادی مذهب

نوشته دیانا ال ایک



© AP Images/Jim Mone

این معبد در سال ۲۰۰۷ در مینه سوتا برای خدمت به شمار فزاینده بوداییان آن منطقه، گشایش یافت.

یک معبد بزرگ هندو با فیل هایی که در ورودی آن حکاکی شده روی تپه های حومه غرب نشویل، تنسی قرار دارد. یک معبد بودایی کامبوجی و صومعه مربوط به آن با نشان هایی از خطوط سقف که معرف معماری جنوب شرقی آسیا است، در کشتزار های جنوبی مینیاپولیس، مینه سوتا واقع است. در ۴۰ سال اخیر، دورنمای مذهبی آمریکا به طور اساسی متحول شده است، تحولی تدریجی و در عین حال عظیم. این تحول با «مهاجرت جدید»، در پی تصویب مصوبه مهاجرت و تابعیت سال ۱۹۶۵ حاصل شد، زمانی که مردم از سراسر جهان به ایالات متحده آمدند و تبعه این کشور شدند. سنن مختلف مذهبی جهان هم به همراه آنان آمد - مسلمان، هندو، بودایی، جاییبی، سیک، زرتشتی، آفریقایی، و آفریقایی- کاراییبی. مردمان معتقد به این مذاهب، به تدریج در محله های آمریکا جای گرفتند، اول با کمرویی و ترس و لرز، محل های عبادت خود را در جلوی مغازه ها و ساختمان های اداری،

دو اصل بنیادی در ایالات متحده، آزادی مذهب و جدایی کلیسا از دولت است. در زمانی که این جمهوری بنیان گذاشته شد، یعنی بیش از دوپست سال قبل، اکثریت قریب به اتفاق آمریکایی ها مسیحی بودند. از آن هنگام، همان طور که نویسنده این مقاله در کتاب خود، آمریکای مذهبی نوین، به طور مستند آورده است، ایالات متحده تبدیل به چندگونه ترین کشور جهان به لحاظ دینی شده است، به ویژه در طول چند دهه اخیر.

دیانا ال ایک استاد ادیان تطبیقی و مطالعات سرخپوستی در دانشکده علم و هنر، و عضو هیئت علمی دانشکده الهیات دانشگاه هاروارد در کیمبریج، ماساچوست است.

گنبد عظیم یک مسجد همراه با مناره های آن از میان مزارع ذرت در خارج شهر زادگاه او، اوهایو، نمایان است. در هنگام رانندگی در بزرگراه میان ایالتی می توان آن را دید.



© Adam Tanner/ The Image Works

یک تابلو کنار جاده در شهر کوچک الکو در نوادا، بازدیدکنندگان را به بازدید از کلیساهای متعددی که به جمعیتی کمتر از ۲۰,۰۰۰ نفر سرویس می‌دهند، ترغیب می‌کند.

زیر زمین‌ها و گاراژها بنا کردند که تقریباً برای همه ما نامرئی بود. اما از دهه ۱۹۹۰، حضور آن‌ها نمایان شده است. همه آمریکایی‌ها مسجد تولدو یا معبد نشویل را ندیده‌اند، اما شاهد مکان‌هایی مشابه در جوامع خود هستند. این‌ها نشانه‌های معماری یک ساختار نوین مذهبی در ایالات متحده است. به طور مثال، آمریکایی‌ها می‌دانند که بسیاری از بهیاران، جراحان و پرستاران، دارای اصل و نسب هندی هستند، و این را هم در نظر دارند که این افراد شاغل در حرفه پزشکی، ممکن است

کار در معادن و زمین‌های کشاورزی غرب آمدند، آمیزه‌ای از سنت‌های مذاهب بودایی، تائوییستی، و کنفوسیوسی را همراه خود آوردند. مردمانی از اروپای شرقی، یهودیان و ایرلندی‌ها و ایتالیایی‌های کاتولیک هم دسته‌دسته در قرن نوزدهم وارد کشور شدند. مهاجران مسلمان و مسیحی، هر دو، از خاور میانه می‌آمدند. اهالی پنجاب، از شمال غرب هند در اولین دهه قرن بیستم به آمریکا آمدند. اغلب آن‌ها سیک‌هایی بودند که در کالیفرنیا مستقر شدند، و اولین گوردوارا‌های آمریکا [محل عبادت سیک‌ها] به دست آنان ساخته شد، و با زنان مکزیکی وصلت کردند، و یک زیرمجموعه فرهنگی سیک-مکزیکی ایجاد نمودند. شرح حال همه این مردمان، بخش مهمی از تاریخ مهاجرت آمریکا را تشکیل می‌دهد.

مهاجران دهه‌های اخیر، چندگونگی مذهبی را به طور تصاعدی افزایش داده‌اند. بودایی‌ها از تایلند، ویتنام، کامبوج، چین، و کره آمدند؛ هندو‌ها از هند، شرق آفریقا، و ترینیداد؛ مسلمانان از اندونزی، بنگلادش، پاکستان، خاور میانه، و نیجریه؛ سیک‌ها و جایی‌ها از هند؛ و زرتشتیان از هند و ایران، هر دو. مهاجران هائیتی و کوبا سنت‌های کارائیبی را با خود به همراه آوردند، که ترکیبی از نمادها و تصاویر آفریقایی و کاتولیک است. مهاجران جدید یهودی از روسیه و اوکراین می‌آیند، و چندگونگی یهودیت در آمریکا، از هر زمانی بیشتر است. چهره مسیحیت آمریکایی هم با وجود جوامع پرجمعیت لاتینی، فیلیپینی، و کاتولیک‌های ویتنامی دستخوش تغییرات زیادی گشته است؛ جوامع چینی، هائیتی، و پخته‌کوستی برزیلی؛ پرسبیترهای کره‌ای، مار توماس‌های

موقعی در صبح کارشان را برای دعا کردن در منزل متوقف کنند، زیرا که آن‌ها گل و میوه به معبد محلی شیوا-ویشنو می‌برند، و آنها تنها بخشی از جمعیت بیش از یک میلیونی متفاوت هستند. ما کاملاً با مهاجرت لاتینی‌ها از مکزیک و آمریکای مرکزی آشنایی داریم، و همین‌طور با جمعیت زیادی که در شهرهای ما به زبان اسپانیایی صحبت می‌کنند، اما هنوز نمی‌دانیم که این موضوع چه تأثیر عمیقی می‌تواند بر مسیحیت آمریکایی، چه کاتولیک و چه پروتستان، از خواندن سرودهای مذهبی گرفته تا فستیوال‌ها، داشته باشد.

کثرت‌گرایی گسترده

تاریخ‌شناسان عقیده دارند که ایالات متحده همیشه سرزمین گوناگونی ادیان بوده است. کثرت‌گرایی متنوع و گسترده‌ای در میان اقوام بومی - حتی قبل از ورود مستعمره‌نشینان اروپایی به کرانه‌های این کشور، وجود داشته است. چندگونگی گسترده مذاهب بومی هنوز هم ادامه دارد، از پیسکاتاوی در مریلند، تا بلک فیت در مونتانا. مردمانی که از راه اقیانوس آتلانتیک و از اروپا آمدند نیز دارای سنن مذهبی گوناگونی بودند - کاتولیک‌های اسپانیایی و فرانسوی، آنگلیکن‌ها و کویکرهای انگلیسی، مسیحیان اصلاح‌طلب یهودی و هلندی - چندگونگی را با خود آوردند که با گذشت قرن‌ها دامنه آن وسیع‌تر می‌شود. تعداد زیادی از آفریقایی‌هایی که از طریق تجارت برده به کشور وارد شدند، مسلمان بودند. چینی‌ها و ژاپنی‌هایی که در پی پول و ثروت، و برای

هندی، و قبطی های مصری. در هر شهر این کشور، تابلو های کلیسا ها زمان گرد همایی فرقه های کره ای یا لاتینی را اعلام می کنند که در چهار دیواری کلیسا های پروتستان یا کاتولیک برگزار می شود.

در چند دهه گذشته، جنبش های عظیم مردم، چه مهاجران و چه پناهندگان، چهره جهان را به لحاظ جمعیت شناختی متحول کرده است. به گفته سازمان بین المللی مهاجران، در سال ۲۰۰۵، تعداد مهاجران جهان به بیش از ۱۹۰ میلیون تن بالغ بود که ۴۵ میلیون تن از آنان به آمریکای شمالی آمدند. تصویر دینامیک جهان در زمان ما، بر خورد تمدن ها نیست، بلکه در هم تنیده شدن مردم و تمدن هاست. همان طور که پایان جنگ سرد موجب پدید آمدن یک وضعیت تازه ژئوپولیتیکی گردید، جنبش جهانی مردم هم موجب پیداشدن یک واقعیت ژئومذهبی نوین شده است. اکنون هندو ها، سیک ها، و مسلمانان جزئی از دورنمای مذهبی بریتانیا هستند؛ در پاریس و لیون مساجد زیادی به چشم می خورد، معابد بودایی در تورونتو، و گوردوارا های سیک در ونکوور. اما در هیچ کجا، حتی با وجود مهاجرت های انبوهی که در جهان صورت می گیرد، طیف تنوع مذاهب به گستردگی ایالات متحده نیست. این واقعیت تازه و بسیار حیرت آوری است. ما هرگز چنین تجربه ای را قبلاً نداشته ایم.

چالش جامعه

دوران جدید مهاجرت، به لحاظ عظمت و پیچیدگی، و تحرک خاص خود، با دوره های قبلی تفاوت دارد. تعداد زیادی از مهاجرانی که امروزه به آمریکا می آیند، پیوند

های محکمی با وطن خود دارند، و این تماس را از طریق سفر، ایمیل، تلفن دستی، و اخبار تلویزیون های ماهواره ای، حفظ می کنند. آن ها از عهده زندگی کردن در این جا و آن جا بر می آیند. با این میزان چندگونگی که سوغات تبعه های جدید و قدیم است، آمریکا به چه شکلی درمی آید؟ وقتی به یاد اولین جمله قانون اساسی خود می افتم، «ما، مردم ایالات متحده آمریکا» منظورمان کدام مردم است؟ این «ما» چه کسانی هستند؟ این چالش برای افرادی است که تبعه می شوند، آن ها باید مطمئن باشند که جزئی از جامعه ای هستند که در آن زندگی می کنند. چالشی در مقابل ایمان هم هست، برای مردمی که به غیر از اعتقادهای مذهبی خود، در ارتباط با اعتقادهای دیگری هم در جامعه، یعنی جامعه جهانی و جامعه طرف دیگر خیابان زندگی می کنند.

وقتی دوست های صمیمی کودکان ما بچه های مسلمان هستند، یا زمانی که یک هندو برای عضویت در کمیته مدرسه تلاش می کند، همه ما به همسایگان خود توجه تازه ای پیدا می کنیم، هم به عنوان عضو جامعه و هم به عنوان افراد مؤمن. با آغاز قرن جدید، آمریکایی ها باید به وعده خود در مورد آزادی مذهب وفا کنند، وعده ای که مهمترین نشانه اندیشه و تصویر ایالات متحده است. آزادی مذهب همیشه راه را برای چندگونگی مذهبی هموار کرده است، و پدیده چند گونگی هرگز به شدت امروز نبوده است. این امر مستلزم این است که ما به ژرف ترین معنای اصولی که به آن اعتقاد داریم بازگردیم و جامعه ای واقعا کثرت گرا ایجاد کنیم که در آن، نه تنها با این چندگونگی عظیم مدارا شود، بلکه همین پدیده، تبدیل به نقطه قوت ما گردد. برای رسیدن به چنین هدفی، ما باید بیش از آن چه امروز می دانیم، در باره یک دیگر یاد بگیریم، و به طرز بیان «ما» ی افرادی که تازه آمریکایی شده اند گوش فرا دهیم، و در جان و روح آمریکا با یک دیگر مشارکت داشته باشیم.

تدوین کنندگان قانون اساسی و منشور حقوق بشر حتما قادر به تصور گستره چندگونگی مذهبی در آغاز قرن بیست و یکم، نبوده اند. اما اصول مورد تأکید در آن اسناد، یعنی «عدم تثبیت» یک مذهب خاص و آزادی عمل همه مذاهب، مانند سکان محکمی طی دو قرن گذشته، کشور را با وجود این میزان چندگونگی مذهبی، هدایت کرده است. ایالات متحده بر آن چه تدوین کنندگان قانون اساسی تصور نمی کردند، اما پیش بینی روبرو شدن کشور با آن را نموده بودند، تأکید می کند.

دین هرگز یک محصول تمام شده محسوب نمی شود که بتوان آن را بسته بندی کرد و از نسل به نسل منتقل نمود. بعضی ها مذهب خود را این گونه می پندارند، و ادعا می کنند که همه چیز به طور کامل در کتاب مقدس، اصول عقاید، و سنن آنان آورده شده است. اما سفری ساده در طول تاریخ نشان می دهد که حق با آن ها نیست. سنن مذهبی ما دارای پویایی هستند، و دانما در تحول می باشند، آن ها بیشتر به رودخانه شباهت دارند تا یک بنای ثابت. ایالات متحده امروز، محل مناسبی برای تحقیق درباره تاریخ پویایی ادیان است، همان طور که بوادیسم تبدیل به یک مذهب آمریکایی می شود، و مسیحیان و یهودیان با بودایی ها روبرو می گردند و در اثر آن رویارویی، ایمان خود را در قالبی تازه به زبان می آورند و خود را به نوعی متعلق به این هر دو سنت احساس می کنند. انسان مداران، سکولار ها و حتی افرادی

تعداد زیادی از مهاجرانی که امروزه به آمریکا می آیند، پیوند های محکمی با وطن خود دارند، و این تماس را از طریق سفر، ایمیل، تلفن، و اخبار تلویزیون های ماهواره ای، حفظ می کنند. آنها از عهده زندگی کردن در اینجا و آنجا بر می آیند.



جمعیت گوناگونی از هندوها، در مراسم گشایش یک معبد در ایندیاناپولیس حضور می یابند.

© AP Images/The Indianapolis Star, Rob Goebel

که وجود خدا را قبول ندارند باید در چهار چوب واقعیت های پیچیده تر مذهبی، شاید در جهان بینی خود تجدید نظر کنند. با حضور هندوهایی که به چند خدا اعتقاد دارند، و بودایی هایی که به خدایی معتقد نیستند، شاید ملحدان باید دقیقاً توضیح دهند که به چه طور «خدایی» عقیده ندارند.

همان طور که سنن مذهبی ما دارای پویایی هستند، اندیشه ایالات متحده هم همین پیام را دارد. شعار جمهوری،

«E pluribus unum» به معنی «یکی از تعداد

زیادی»، کاری پایان یافته نیست، اما آرمانی است که آمریکایی

ها باید دائم به یاد داشته باشند. تاریخ مردمان متعددی که

آمریکای واحد را تشکیل داده اند هنوز به پایان نرسیده است.

وجود این مردمان متعدد از هر زمانی چشمگیرتر است –

نژادهای ما و چهره های ما، جاز و موسیقی کاوالی ما، طبل

های هایتی و طبله های بنگالی ما، رقص های هیپ هاپ و

بانکرای ما، رقص و موسیقی مکزیک و رقص و موسیقی

اندونزی ما، مناره های مساجد مسلمانان و برج های صومعه

های هندوی ما، منار مخروطی معابد مورمون ها و گنبد های

طلایی گوردوارای ما. در میان این کثرت گرایی، بیان «یکی»

بودن ما، واحد بودنمان، از گلوی بسیاری خارج می شود، و

هر یک به روش خود در این معنا مشارکت دارد.

تجسم آمریکای جدید در قرن بیست و یکم، مستلزم تصور

یک جهش است. و به معنای نظاره دورنمای مذهبی ایالات

متحده از کرانه ای تا کرانه دیگر، و در زیبایی بغرنج

آن است. ■

برگرفته از کتاب آمریکای مذهبی نو نوشته دیانا ال اک،

چاپ شده از سوی هارپر سان فرانسیسکو، وابسته به شرکت

انتشارات هارپر – کالینز. حق چاپ © ۲۰۰۱ متعلق به

دیانا ال اک. همه حقوق محفوظ است.

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه سیاست دولت آمریکا نیست.

چندگونگی مذهبی در آمریکای قدیم

نوشته کاترین ال آلبانزه



© Francis G. Mayer/Corbis

این نقاشی تصویر کوآکر ویلیام پن بنیان گزار پنسیلوانیا است که با قبيله های سرخ پوستان رابطه برقرار می کند.

سه اسطوره در برداشت عمومی از تاریخ ادیان آمریکا وجود دارد:

- **اسطوره اول:** تاریخ ادیان فقط اروپایی ها را در بر می گیرد.
- **اسطوره دوم:** مسیحت پروتستان نزد مهاجران اروپایی و مستعمره نشینان در دهه های آغازین شکل گیری جمهوری، یکدست بوده است.
- **اسطوره سوم:** کثرت گرایی دینی پدیده ای متأخر است که متعلق به قرن بیستم می باشد.

این طرز برداشت از تاریخ ادیان در آمریکا دارای اشکالات متعددی است. نخست این که، جایگاه بومیان، یعنی

دوره استعمار در تاریخ آمریکا، با وجود آمریکایی های بومی، برده های آفریقایی، و مستعمره نشینان اروپایی که هر یک تکالیف دینی گوناگون خود را انجام می دادند، با کثرت گرایی مذهبی مشخص می گردد. در این مقاله، مؤلف به ریشه یابی و تثبیت مدارای مذهبی در دوران استعمار می پردازد.

کاترین ال آلبانزه نویسنده جمهوری ذهن و روح: تاریخ فرهنگی ادیان متفاوتی آمریکا است. او استاد اف جی راونی در ادیان تطبیقی، و رییس گروه آموزشی مطالعات دینی در دانشگاه کالیفرنیا، سانتا باربارا می باشد.



Photo of painting by Douglas Volk/Library of Congress

در این نقاشی پدر هنه پین، کشیش پیرو فرانچسکوی قدیس، در حالیکه سرخپوستان آمریکایی او را همراهی و راهنمایی می کنند تا در اواخر قرن هفدهم به سیاحت در مناطق بالای غرب میانه بپردازد، نشان داده می شود. سایر کشیش های پیرو فرانچسکوی قدیس بیش از یکصد سال قبل به عنوان مبلغ مذهبی به میان قبیله های بومی آمده بودند.

سرخپوستان آمریکایی – را که قرن ها قبل از اروپاییان در این سرزمین سکونت داشته اند، ندیده می گیرد. دیگر این که، جایگاه آفریقاییان که اقلیت پر تعدادی از مستعمره نشینان را تشکیل می دادند، را نیز نادیده می گیرد. و دلیل سوم، از جهت اروپایی قضیه، مهم است توجه داشته باشیم که علی رغم این که جمعیت ساکن آمریکای قدیم را اکثرا پروتستان ها تشکیل می دادند، اما کاتولیک های پیرو کلیسای رم و یهودیان هم در میان آن ها بودند. و بالاخره این که در آمریکای قدیم، حتی در میان پروتستان ها نیز کثرت گرایی دینی رواج داشت و همین، یکی از خصوصیت های بارز دورنمای مذهبی آمریکا بود. گسترش فرقه های مذهبی در بریتانیا و در دوره قبل از استعمار، بر همین ویژگی تأکید دارد، و همین امر در مورد مهاجران آلمانی نیز صادق است. ضمناً، مستعمره نشینان کشور

های اروپای شمالی هم با اشکال مذهبی خود در آمریکای قدیم حضوری گسترده داشته اند.

با همین توضیح مختصر درباره کثرت گرایی دینی در آمریکای قدیم، باید سؤال کنیم پس اسطوره یکدست بودن پروتستانتیسیم از کجا آغاز شد. اولین تاریخ نگاران دینی آمریکا، خود از نمایندگان فرقه های اصلی پروتستان بودند. آن ها تاریخ را نه به شیوه مورخان اهل فن، بلکه از موضع مردان کلیسا مورد مطالعه قرار دادند. به همین جهت، مطالعات مربوط به تاریخ ادیان در آمریکا به تدریج جنبه حرفه ای به خود گرفت و - با وجود پروتستان ها به منزله اکثریت جمعیت کشور تا همین اواخر - جای تعجب نیست که کثرت گرایی آن در آمریکای قدیم ندیده انگاشته شده بود.

سنن مردمان بومی و آفریقایی-آمریکایی ها

مردمان بومی از قرن ها پیش و میان ملت های مختلف، فرهنگ آمریکایی خود را گسترش داده بودند. هر ملت سرخپوست، دارای سیستم اعتقادات، و مراسم عبادی خود و متمایز از یک دیگر بوده و هنوز هم چنین است. (مطالبی که در این جا آورده شده و آن چه در زیر می آید، خلاصه ای از اثر کاترین ال آلبازره، آمریکا: ادیان و دین ۴، چاپ بلمونت، کالیفرنیا: انتشارات وادزورت، ۲۰۰۷ است) در آمریکای قرن هفدهم، و با ۵۵۰ جامعه و زبان مختلف، فرهنگ سرخپوستان آمریکایی پیوند محکمی با دنیای تقدس داشت که از طریق باور

ها، مراسم، و شیوه زندگی که بیانگر نزدیکی آن ها با طبیعت بود، به تصویر درمی آمد. آن ها برداشتی مقدس از جهان مادی اطراف خود داشتند، و آن را آن طور که نزد اروپاییان مرسوم بود، از قلمرو فرا طبیعی جدا نمی کردند. آن ها در مراحل خواب نیز به واقعیات مقدس دسترسی داشتند، و زندگی درونی و واقعیت خارجی را پدیده هایی سیال می انگاشتند که مرتب در حال تغییر و تبدیل می باشند. جانوران مقدس می توانستند به انسان تبدیل شوند و بالعکس. در این چهارچوب، اصول اخلاقی سرخپوستان را می توان به عنوان زندگی هماهنگ با جهان طبیعت تعریف کرد. به علاوه، سرخپوستان در موقعیت هایی که بعداً به آن نام کثرت گرایی دینی داده شد، کاملاً احساس راحتی می کردند. در میان بومیان آمریکایی، به تفاوت های مذهبی که بارز بودند، احترام گذاشته می شد و همگان آن را می پذیرفتند. قبایل مختلف به ارواح گوناگون اعتقاد داشتند، دارای شعائر دینی متفاوتی بودند، و تکالیف مذهبی مختلفی را باید انجام می دادند.

در میان اقوام آفریقایی، دین با وضعیت بردگی از بین نرفت. غالب آن ها از غرب آفریقا، و منطقه کنگو- آنگولا آمده بودند، و بسیاری از آن ها متعلق به مردمان ماندینک، یوروب، ایبو، باکونگو، اوی، و فون بودند. بعضی از آن ها اسلام را برگزیده بودند، در حالی که بقیه آنها معتقد به مذاهب سنتی و گوناگون آفریقایی بودند. باز هم مانند مورد سرخپوستان آمریکایی، نزد آن ها برخی موضوع ها از اولویت برخوردار بود. جامعه، اصل بود، و جهان مقدس که زیستگاه ارواح و

شبه خدایان، یعنی نیاکان آن‌ها بود، فاصله چندانی با جامعه نداشت. خدایی عالی مرتبه بر جامعه حکم می‌راند و مردم از طریق الهه‌ها، که نقش واسطه را داشتند، به قدرت او دست می‌یافتند. پیشگویی، قربانی کردن حیوانات، موسیقی، و رقص، - همراه با ریتم لاینقطع طبل‌ها - عملکردشان ایجاد و بیان مفاهیم معنوی بود. در آمریکا، این افکار مذهبی و تکالیف دینی، در جوامع برده‌داری که سیاهپوستان باید با پروتستان‌تیسیم کنار می‌آمدند، اشکال دیگری پیدا کرد و تم‌هایی حاکی از شرایط اجباری بردگی هم به آن افزوده شد. بنابراین، مسیحیت سیاهپوستان، با طرز تحول خود، هرگز به روایت اروپاییان از مسیحیت شباهت نداشت. در کنار آن، سنت جادو و معالجه از طریق آن، که به آن التماس و لابه هم گفته می‌شود، در کنار باورهای سرخپوستان آمریکایی شکوفا شد و به آن پیوند خورد، و گاهی سفیدپوستانی که از طریق اعمال جادو در طلب معالجه یا خواستار کمک‌های مادی بودند را نیز به خود جذب کرد.

سنن اروپاییان قدیم

اولین اروپاییانی که به آمریکای قدیم وارد شدند اسپانیایی‌ها بودند که تحت رهبری خوان پونسه دلئون در سال ۱۵۱۳ به شبه جزیره ای که اکنون فلوریدا نامیده می‌شود، وارد شدند. تنها هشت سال بعد از آن، کشیشان کاتولیک پیرو کلیسای رم برای تبلیغات مذهبی به آن سرزمین آمدند و در سال ۱۵۶۴ اسپانیایی‌ها سنت آگوستین را بنا کردند. فعالیت‌های مشابه مذهبی در صد‌ها مایل دورتر هم در جریان بود، یعنی در سرزمین‌های غربی قاره جدید. قبل از پایان قرن شانزدهم، مبلغان مذهبی فرانسیسکن در ایالت فعلی نیو مکزیکو بودند، و در اوایل قرن هجدهم نیز ژوبیت‌ها تبلیغات مذهبی خود را در آریزونا آغاز کردند. در میان انگلیسی‌ها، کاتولیک‌ها برای تبلیغ مذهبی نیامده بودند، بلکه می‌خواستند در آن سرزمین ساکن شوند. البته مجوز بنا نهادن مستعمره نشین مریلند به فردی کاتولیک سپرده شد. شارل اول، پادشاه انگلستان، این مجوز را به جورج کالورت، اولین لرد بالتیمور سپرد. فرزند او، لئونارد، در سال ۱۶۳۴ اولین فرماندار این مستعمره نشین گردید. مستعمره نشین مریلند مدت زیادی در دست کاتولیک‌ها باقی نماند، اما وجود آن دال بر قدرت اقلیت‌های مذهبی در دوره استعمار است. در این حین، مستعمره نشین پنسیلوانیا که در اختیار کویکرها بود، از ورود کاتولیک‌ها استقبال نمود، و مستعمره نشین نیویورک نیز، دست کم در دوره ای از تاریخ خود، آن‌ها را پذیرفت. تا حدی که از سال ۱۶۸۲ تا ۱۶۸۹، فرمانداری نیویورک را توماس دانگان که کاتولیک بود، به عهده داشت.

نیویورک مرکز اولین یهودیانی که به آمریکای قدیم وارد شدند نیز بود. آن‌ها اساساً از سال ۱۶۵۴، یعنی زمانی که

هنوز به آن نیو آمستردام گفته می‌شد در آن جا سکونت گزیده بودند (این مستعمره نشین در سال ۱۶۶۴ از دست هلندی‌ها خارج و به دست انگلیسی‌ها افتاد). این یهودیان - که بخشی از کمیته پناهندگان اسپانیایی-پرتغالی بودند که بعد از اخراج یهودیان از اسپانیا و پرتغال در اواخر قرن پانزدهم شکل گرفت - در آغاز در کشور لیبرال هلند مسکن یافته بودند. بعدها آن‌ها با استعمارگران هلندی به شرق برزیل نقل مکان کردند، که بعد با پیروزی پرتغال بر اسپانیا، به شمال نیوآمستردام گریختند. در آن جا، آن‌ها جامعه کوچک سفارادیم را پایه‌گذاری کردند که اکثراً از تجار تشکیل شده بود و فاقد خاخام بود. در اثر وصلت با غیر یهودیان، تعدادی از آن‌ها در جوامع محلی جذب گردیدند، اما در سال ۱۶۹۲ آن‌ها موفق به تأسیس اولین کنیسه‌های واقع در شمال آمریکا شدند. تعدادی از اعضای سفارادیم هم در رود آیلند مستقر شدند، و بقیه - همراه با یهودیان اروپای شمالی که تازه از راه می‌رسیدند - در شهرهای کرانه شرق آمریکا به تأسیس جوامع و فرقه‌های مذهبی خود پرداختند که دامنه استقرار آن‌ها تا چارلستون در کارولینای جنوبی هم رسید.

در چندگونگی مذهبی آمریکای قدیم، پروتستان‌ها روی هم رفته از اکثریت برخوردار بودند. دو دوره بیماری‌های همه‌گیر در اوایل قرن هفدهم، موجب نابودی تعداد زیادی از مردمان سرخپوست ساکن شمال قاره آمریکا گردید - که بیشتر از طریق میکروب‌های اروپاییان از بین رفتند تا تفنگ‌های آنان. گروه‌های دیگر - آفریقایی‌ها، کاتولیک‌ها، و یهودیان - با این‌که آفریقایی‌ها در برخی قسمت‌ها از جمعیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار بودند، همیشه در اقلیت بوده‌اند. در نظر گرفتن کل مستعمره نشینان پروتستان، موجب می‌شود تصویر غلطی از وضعیت چندگونگی مذهبی این مهاجران اروپایی به دست داده شود. بسیاری از آنان، در کنار فرهنگ مسیحی پروتستان، دارای یک سلسله باورهای متافیزیکی و اعمال مشابه سرخپوستان و سیاهپوستان هم بودند. از جادو و شخصیت دغل باز گرفته تا طالع بینی و اشکالی از علوم خفیه. (نک جون باتلر، *عوطه در دریای ایمان: مسیحی کردن مردمان آمریکا* [کیمبریج: انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۹۰]، و کاترین ال آلبانزه، *جمهوری دهن و روح: تاریخ فرهنگ مذهب متافیزیکی آمریکا* [نیوهیون: انتشارات دانشگاه ییل، ۲۰۰۷]).

به علاوه، ساکنان دو مستعمره نشینی که نقش عمده‌ای در رویداد‌های سیاسی بعدی داشتند، دارای مذاهب گوناگون بودند. ویرجینیایی‌ها با مستعمره نشین دائم خود در جیمز تاون از سال ۱۶۰۷، رسماً اعضای کلیسای انگلستان بودند. اعتقاد آن‌ها به اصول کلیسای انگلستان چنان سفت و سخت بود که در سال ۱۶۱۰ و تا یک دهه بعد از آن، طبق قوانین ویرجینیا، افرادی که در مراسم عبادی یکشنبه‌ها شرکت نمی‌کردند، به مرگ محکوم می‌شدند (آماری از این‌که عملاً کسی اعدام

که ادعا می کرد تحت هدایت مستقیم روح القدس قرار دارد. در نواحی جنوبی تر، در کنار پروتستان های نیویورک، گروه های دیگری نیز گردآمده بودند، مانند کالوینیست های اصلاح طلب هلندی، لوتری های آلمانی، فرقه گرایان نیو اینگلند، کویکر ها، و بابتیست ها؛ هر چند این مستعمره خود را رسماً آنگلیکن می خواند، این گروه ها در آن جا مستقر شدند. (نک ریچارد وی پوینتر، کثرت گرایی پروتستان و تجربه نیویورک: مطالعه درباره چندگونگی مذهبی در قرن هجدهم [بلومینگتون: انتشارات دانشگاه ایندیانا، ۱۹۸۸]). نیویورکی ها با مشاهده منافع مذهبی و سیاسی، چندگونگی مذهبی خود را مثبت تلقی می کردند.

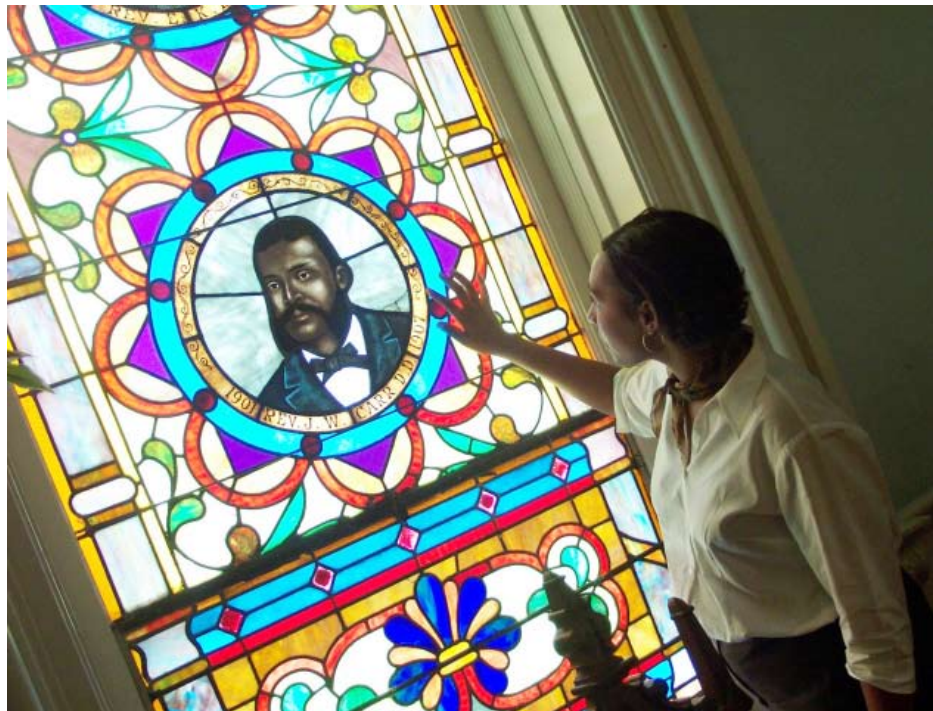


Photo Courtesy of Savannahvisit.com

یکی از قدیمی ترین گروه عبادت کنندگان آفریقایی - آمریکایی اکنون در اولین کلیسای بابتیست در شهر ساوانا، در ایالت جورجیا، نیایش می کنند.

در نیوجرسی، هلندی ها و دیگر مهاجران اروپای شمالی به اهالی نیو اینگلند و مستعمره نشینان کویکر ملحق شدند. و در پنسیلوانیا، مخصوصاً کویکر ها برای مدتی از جایگاهی امن و نقش رهبری برخوردار بودند. از زمانی که ویلیام پن، در سال ۱۶۸۱ پنسیلوانیا را به عنوان یک مستعمره نشین کویکر بنا نهاد، تفکر مدارا با سایر مذاهب پا گرفت. پن، حاصل از دواج یک آدمیرال و زنی که به مذهب کویکر ها گرویده بود، هنگامی که بخش وسیعی از زمین ها را در عوض بدهی دوک یورک به پدرش دریافت کرد، مالکیت این مستعمره نشین را هم به دست آورد. کویکر ها از طریق باور های خود مبنی بر وجود «نور خدا» درون همه چیز، پیام مذهبی خود را تبدیل به آرمان های اجتماعی و سیاسی برای همگان کرده بودند. در پنسیلوانیا هر کس می توانست آزادانه به شعائر مذهبی خود عمل کند و حقوق مردم به رسمیت شناخته می شد. رعایت حال سرخپوستان از سوی پن و در نظر گرفتن حقوق آنان در توافقنامه هایی که نوشته می شد، و سیاست او مبتنی بر پرهیز از جنگ افروزی، بسیار قابل ملاحظه بود.

مبلغان مذهبی کویکر و بابتیست، راه خود را در بخش هایی از جنوب آمریکا باز کرده بودند و چندگونگی مذهبی، یکی از ویژگی های عادی دورنمای مذهبی آمریکا گردید. پرسبیترها هم بخش مهمی از قضیه بودند، و همین طور سایر گروه های مذهبی مخالف. در این حین، فرقه های آلمانی در پنسیلوانیا و سایر جا ها پراکنده می شدند، که از میان آن ها

شده باشد در دست نیست). در نیو اینگلند بر عکس، مستعمره نشینان پلیموت (۱۶۲۰) و خلیج ماساچوست (۱۶۳۰)، که بعد ها به یک دیگر ملحق شدند، همگی پوریتن بودند، اعضای دو گروه مختلف از اصلاح طلبان که شعائر دینی کلیسای انگلستان را قبول نداشتند. در پلیموت، زوار جدایی طلب - که قبلاً در هلند مستقر شده بودند - خود را کلاً خارج از کلیسای انگلستان معرفی می کردند. در مستعمره نشین بزرگتر خلیج ماساچوست، غیر جدایی طلبان تلاش می کردند کلیسای انگلستان را از درون متحول کنند. هر دو گروه طرفدار بازگشت به مسیحیت ناب بودند که مبتنی بر تجربه شخصی از دین باشد. و هر دو سخت تحت تأثیر اصول خداشناسی کالوینیست قرار داشتند و همین طور پیام آن درباره قدرت مطلق خداوند، گناهکار بودن انسان ها، و تحکم خداوند بر رستگاری بهشتی یا دوزخ ابدی. این دو گروه، هر دو، کلیسای آنابابتیست اصلاح طلب قرن شانزدهم اروپا را می ستودند. و بر نقش این کلیسا به عنوان میثاق میان مردم و خدای مطلق تأکید داشتند.

حتی مذهب اصلاح طلبان پوریتن خلیج ماساچوست هم در نظر تعدادی از مستعمره نشینان پروتستان به اندازه کافی ناب نبود. به عنوان مثال، رودآیلند، بعد از این که راجر ویلیامز آن را در سال ۱۶۳۶ بنا نهاد، تبدیل به مرکز بابتیست ها شد. ویلیامز زمانی که متوجه شد پوریتن ها به درد او نمی خورند، خلیج ماساچوست را ترک کرد. در رود آیلند سایر مخالفان دینی به او پیوستند، مانند آن هاچیسون معروف

می توان از منونیت ها، دانکرها و زاهدان مورایا نام برد. هر جایی که مستعمره نشینان اسکاندیناوی و آلمانی مستقر می شدند، حضور لوتری ها و کالونینست ها نیز به طور وسیعی حس می شد. آنچه ما امروز گروه های حاشیه ای می نامیم هم وجود داشتند، مانند جامعه زن در برهوت، در نزدیکی های فیلادلفیا - یک فرقه اسرار آمیز مبتنی بر اخوت که شعائرشان بر اساس آمیزه ای از گرایشات و پدیده های کافرانه، مسیحی، و یهودی و در قالب خاص دین طبیعت گرای خودشان بود.

تأثیر دوره های احیای مذهبی

با گسترش چنین آمیزه ای از هویت ها و دیدگاه های گوناگون مذهبی که رقیب یک دیگر بودند، در میان مردمی که با شور و حرارت جهت گیری می کردند، بروز دوره های مختلفی از بیداری مذهبی - پناه بردن دسته جمعی به انجیل - در قرن هجدهم یک امر عادی بود. در این گرد همایی ها که همه سراسر شور و حرارت بود، مردم عادی ممکن بود دست از ایمان مذهبی خود شسته و به مذهب دیگری جلب شوند، و یا با شدت بیشتر پایبند مذهب خود باقی بمانند. مورخان این دوره را به منزله دوره توجه خاص به احیای مذهب و طول آن را از اواخر دهه ۱۷۳۰ تا ۱۷۴۰ و ۱۷۵۰ می دانند. (نک ویلیام جی مک لولین، *احیا، بیداری و اصلاحات: رساله ای پیرامون مذهب و تغییرات اجتماعی در آمریکا، ۱۶۰۷-۱۹۱۷*) [شیکاگو: انتشارات دانشگاه شیکاگو، ۱۹۷۸]. این دوران که به آن بیداری بزرگ، یا گاهی اولین بیداری بزرگ گفته می شود، تحت تأثیر مواعظات دو چهره مهم قرار داشت. اولی،

موعظه گر دوره گرد، جورج وایتفیلد، یکی از پیروان جان ولسلی (بنیانگذار مذهب متدیست) و با گرایش های کالونینست بود، که برای موعظه جهت جمع کردن اعانه برای یتیمخانه ای در مستعمره نشین جورجیا، به مستعمرات شمالی آمده بود. دومی، پوریتنی بود که لقب بزرگترین دانشمند دینی آمریکا به او داده شد، جان اتان ادواردز، که از منبر خود در نورتهمتون، ماساچوست پیامی خشک به شیوه کالوین در تقبح و محکومیت آنانی که رستگار نمی شدند، فرستاد. تنها این موعظه گران نبودند؛ برای مثال، در مستعمره نشین های میانی، مخصوصا پنسیلوانیا و نیوجرسی، پرسبیترها هم روایت خاص خود از بیداری مذهبی را داشتند.

ظاهرا، زبان دوران احیای مذهبی، تبدیل به زبان مذهبی ایالات متحده گشت. مورخان به نقش احیای مذهبی در ایجاد و حمایت از مخالفت های مذهبی اشاره دارند، هر چند که آن را در گردآوردن مستعمره نشینان در کنار یک دیگر و ایجاد احساس مشترک میان آنان نیز نقشمند می دانند. در این مورد، فرضیه ای که چگونگی آمادگی فکری جهت وقوع انقلاب آمریکا در قرن ۱۸ را توضیح می دهد، بر نقش بیداری مذهبی بزرگ تأکید دارد که موجب شد احساس هویت مشترک را که لازمه همه انقلاب ها است، بیدار کند (نک الن هیمرت، *مذهب و طرز فکر آمریکایی: از بیداری بزرگ تا انقلاب* [کیمبریج: انتشارات دانشگاه هاروارد، ۱۹۶۶]). ما هر طور که بخواهیم در مورد این پدیده قضاوت کنیم، روشن است که در قرن هجدهم، چندگونگی مذهبی در آمریکا بارز بود، و تا به امروز هم به عنوان یکی از ویژگی های اجتماعی برجسته این کشور به قوت خود باقی است. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتا منعکس کننده دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

مذهب به روایت جمعیت

نوشته برایان جی گریم و دیوید ماسی



© AP Images/Janet Hostetter

یک اجتماع در کلیسای کرایست پرسبیترین در شهر ادینا در ایالت مینه سوتا.

های اخیر سست تر شده است. در واقع، طبق یافته های یک نظر سنجی همگانی توسط فوروم پیو در مورد مذهب و زندگی اجتماعی، ایالات متحده برای اولین بار در آستانه تبدیل شدن به کشوری با اقلیت پروتستان قرار دارد. تعداد آمریکایی هایی که خود را عضو فرقه های مختلف پروتستان می خوانند، در حال حاضر به سختی به ۵۱ درصد بالغ می شود، که از ۶۰ درصد مربوط به دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ کمتر است.

کاتولیک های پیرو کلیسای رم حدود یک چهارم از بزرگسالان آمریکایی را دربر می گیرند، و اعضای سایر شاخه های مسیحیت ۳،۳ درصد از جمعیت هستند. روی هم رفته، حدود ۸ تن از هر ۱۰ تن آمریکایی، به فرقه ها و شاخه های گوناگون مسیحیت اعتقاد دارند. سایر ادیان – من جمله یهودیت، اسلام، هندویسم و بوداییسم – دارای پیروانی در میان ۵ درصد از بزرگسالان آمریکایی هستند. تقریباً از هر شش آمریکایی، یک تن به دین خاصی تعلق ندارد، این تعداد در سال های اخیر افزایش یافته است.

عوامل زیادی در ایالات متحده موجب چندگونگی مذهبی هستند، از جمله مهاجرت. چندگونگی مذهبی در آمریکا نشان

انبوهی از گروه های مختلف مذهبی در ایالات متحده زندگی می کنند، که همگی تحت حمایت قانون اساسی آمریکا، از حق پیروی از باور هایشان برخوردار هستند.

برایان جی گریم عضو ارشد تحقیقات در زمینه مذاهب و امور جهانی، و دیوید ماسی، عضو ارشد تحقیقات در زمینه مذاهب و قانون است که هر دو با فوروم پیو درباره مذهب و زندگی اجتماعی همکاری می کنند. فوروم، پروژه مرکز تحقیقاتی پیو، سازمانی مستقل در واشنگتن دی سی است که تأمین کننده اطلاعات در مورد مسائل، طرز تلقی، و گرایش هایی می باشد که در ایالات متحده و در جهان تأثیر گذار هستند.

ایالات متحده یکی از چندگونه ترین کشور های جهان به لحاظ مذهب است. این کشور با حضور پیروان عمده ترین ادیان، کشور اقلیت های مذهبی است. هر چند پروتستان ها کماکان اکثریت مسیحیان در ایالات متحده را تشکیل می دهند، اما سنت پروتستان به ده ها فرقه بزرگ تقسیم می شود که هر یک باور ها، تکالیف مذهبی، و تاریخ خاص خود را دارد. به علاوه، برتری مسیحیت پروتستان در ایالات متحده، در سال

مذاهب اصلی در ایالات متحده

در میان تمامی بزرگسالان
(درصد)

۷۸,۴	مسیحیان
۵۱,۳	پروتستان ها
۲۶,۳	کلیساهای انجیلی
۱۸,۱	کلیساهای خط اصلی
۶,۹	کلیساهای تاریخی سیاهان
۲۳,۹	کاتولیک ها
۱,۷	مورمون ها
۰,۷	شاهدان یهوه
۰,۶	ارتودوکس ها
۰,۳	دیگر مسیحیان
۴,۷	مذاهب دیگر
۱,۷	یهودیان
۰,۷	بوداییان
۰,۶	مسلمانان*
۰,۴	هندوها
۰,۳ <	مذاهب دیگر دنیا
۱,۲	اعتقادات دیگر
۱۶,۱	غیر وابستگان
۰,۸	کسانی که نمی دانند/ مرتدان
۱,۰	

* برگرفته از "آمریکاییان مسلمان: طبقه متوسط و اغلب جریان غالب"، مرکز تحقیقات پیو، ۲۰۰۷

بخاطر سر راست کردن، امکان دارد که جمع این آمارها برابر با ۱۰۰ نشود، و مجموع آمار زیر مجموعه ها نیز برابر با آمار کلی نباشد.

منبع: بررسی چشم انداز مذاهب در ایالات متحده، انجمن مرکز پیو در زمینه مذهب و زندگی اجتماعی.

توماس جفرسون، یکی از بنیانگذاران جمهوری نوشت، دیواری مجزا کننده میان کلیسا و دولت وجود دارد. دیگران این طور بحث می کنند که دولت مادامی که دینی را برتر از دیگری نشانسد، می تواند از نهادها و فعالیت های دینی حمایت کند. هنگامی که مباحثات در مورد عمل به تکالیف دینی وارد سیستم قضایی گشت، دادگاه ها خطی متمایز کننده میان این دو طرز تلقی کشیدند. دادگاه ها عموماً به این رأی داده اند که

از حمایت قانون اساسی کشور از آزادی مذهب و اعتقادات و عمل به شعائر دینی است. نه تنها مهاجران آزاد هستند که باورها و اعمالی مذهبی خاص خود را همراه بیاورند، بلکه بسیاری از آمریکایی ها هم دست کم یک بار در زندگی خود، تغییر دین می دهند. البته طبق یافته های نظرسنجی که در اواسط سال ۲۰۰۷ برگزار شد، بیش از یک چهارم از بزرگسالان آمریکایی ایمان مذهبی خود را برای گرویدن به دینی جدید و یا کلا بی دینی، تغییر داده اند؛ و این تعداد شامل افرادی که مذهب خود را در چهار چوب گرایش های پروتستان تغییر می دهند، نمی گردد.

اختیارات و محدودیت های دینی در ایالات متحده

طبق قانون اساسی آمریکا، اقلیت های دینی تحت حمایت قرار دارند و عمل به تکالیف مذهبی برای همه ادیان به طور کلی آزاد است. این موارد، در بند های مربوط به آزادی عمل به تکالیف مذهبی و کلیسا، در اولین متمم قانون اساسی تصریح شده است. متمم اول که متضمن آزادی بیان و آزادی اجتماعات هم هست، همراه با نه متمم دیگر که به آن ها منشور حقوق بشر گفته می شود، در سال ۱۷۹۱ به تصویب رسید. مؤلفان اولین متمم، به ویژه جیمز مدیسون (یکی از تدوین کنندگان اصلی قانون اساسی و چهارمین رییس جمهور آمریکا)، کاملاً آگاه بودند که اختلافات مذهبی در اروپا موجب درگیری جنگ های زیادی میان کشورها شده است. آن ها با سیاست بعضی ایالات آمریکا مبنی بر تحمیل محدودیت هایی بر برخی فرقه های مذهبی به نفع کلیسا هایی که از سوی ایالت به رسمیت شناخته می شد، به مخالفت برخاستند. مخصوصاً مدیسون اعتقاد داشت که محدود کردن آزادی های دینی و تلاش دولت برای ایجاد یکپارچگی مذهبی، به معنای نقض اساسی ترین حقوق بشر است. او این طور استدلال می کرد که ایمان مذهبی تنها در محیطی شکوفا می شود که در آن دولت از آزادی دینی مردم حمایت کند، اما از نهاد های دینی حمایت به عمل نیاورد. این دو هدف، مبنای بند مربوط به دین در متمم اول قانون اساسی هستند.

حتی در دوران مدیسون هم در مورد معنای بند های مربوط به دین و مذهب، اختلاف نظر وجود داشت، و قید شده است «کنگره مجاز به تصویب قوانینی که ایجاد و ثبات دین خاصی را موجب و عمل آزادانه به تکالیف دین دیگری را محدود کند، نمی باشد. در نتیجه تعبیر درست از ایجاد و تثبیت و عمل آزادانه، به دادگاه ها سپرده شده است.

همه بر روی این مسئله که در متمم اول ایجاد کلیسایی که مورد حمایت دولت باشد، ممنوع اعلام شده، توافق دارند. اما این توافق به همین موضوع محدود می شود. بعضی به عنوان مثال، معتقدند که مراد از بند تثبیت، جلوگیری از هر نوع درگیری دولت با دین است. آن ها اعتقاد دارند، همان طور که

دولت می تواند ادیان را کاملاً به رسمیت بشناسد - مثلاً در مورد رواج آن ها و سوگند خوردن و قبول تعهد به شرط آن ها - اما قوانین مربوط به تشویق دین، مانند تدریس کتاب مقدس در مدارس را تصویب نکرده اند.

بند آزادی عمل به تکالیف دینی نیز موضع مباحثات و اختلاف نظرهای زیادی بوده است. در حالی که دادگاه ها دائماً بر این مورد تأکید کرده اند که این بند از همه اعتقادات مذهبی حمایت می کند، آن ها برخورد های مختلفی با فعالیت های دینی و انجام تکالیف مذهبی داشته اند. دادگاه ها به طور کلی بر این عقیده هستند که متمم اول به آثانی که دارای ایمان مذهبی هستند، آزادی عمل برای ندیده گرفتن قانون نمی دهد. با این حال، بعضی از احکام دادگاه ها برای گروه های مذهبی، من جمله گروه های اقلیت، بخشودگی هایی منظور کرده اند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۴۳ دیوان عالی آمریکا حق شاهدان بیوه برای عدم شرکت آن ها در مراسم اجباری ادای احترام به پرچم، طبق معتقدات دینی را به رسمیت شناخت.

بر طبق نظر سنجی سراسری سال ۲۰۰۷ مرکز تحقیقاتی پیو که علاوه بر انگلیسی، به زبان های عربی، اردو و فارسی انجام شد، سهم مسلمان جمعیت بزرگسال آمریکا به ۰,۶ درصد بالغ است. تقریباً دو سوم از مسلمانان آمریکایی را مهاجران تشکیل می دهند. با این حال، بر اساس این تحقیق، آن ها به لحاظ ظاهر، ارزش ها و دیدگاه های خود، قطعاً از اصلی ترین اعتقادات برخوردار هستند. مسلمانان آمریکایی معتقد هستند که سخت کوشی نتیجه خود را نشان خواهد داد، این اعتقاد به این معنی است که سطح تحصیلی و درآمد مسلمانان آمریکایی، منعکس کننده وضعیت کلی آمریکا است. مسلمانان آمریکا از چندگونه ترین نژادها تشکیل شده اند. از هر سه نفر آن ها، یک تن سفید پوست است، و از هر چهار نفر، یکی سیاهپوست می باشد، از هر پنج نفر، یکی آسیایی، و یک در پنج آن ها از نژاد های دیگر هستند.

اقلیت های کوچکتر مذهبی

دولت می تواند ادیان را کاملاً به رسمیت بشناسد - مثلاً در مورد رواج آن ها و سوگند خوردن و قبول تعهد به شرط آن ها - اما قوانین مربوط به تشویق دین، مانند تدریس کتاب مقدس در مدارس را تصویب نکرده اند.

بند آزادی عمل به تکالیف دینی نیز موضع مباحثات و اختلاف نظرهای زیادی بوده است. در حالی که دادگاه ها دائماً بر این مورد تأکید کرده اند که این بند از همه اعتقادات مذهبی حمایت می کند، آن ها برخورد های مختلفی با فعالیت های دینی و انجام تکالیف مذهبی داشته اند. دادگاه ها به طور کلی بر این عقیده هستند که متمم اول به آثانی که دارای ایمان مذهبی هستند، آزادی عمل برای ندیده گرفتن قانون نمی دهد. با این حال، بعضی از احکام دادگاه ها برای گروه های مذهبی، من جمله گروه های اقلیت، بخشودگی هایی منظور کرده اند. به عنوان مثال، در سال ۱۹۴۳ دیوان عالی آمریکا حق شاهدان بیوه برای عدم شرکت آن ها در مراسم اجباری ادای احترام به پرچم، طبق معتقدات دینی را به رسمیت شناخت.

دورنمای مذهب در آمریکا

در این چهارچوب حقوقی، چندگونگی دینی در آمریکا شکوفایی زیادی یافت. در مورد تعداد گروه های مذهبی موجود در ایالات متحده، ارقام رسمی موجود نیست، زیرا از اواخر دهه ۱۹۵۰، اداره آمار آمریکا از شهروندان در مورد اعتقادات دینی و یا عضویتشان در گروه های مذهبی سئوالی نکرده است. یکی از منابع موثق اطلاعاتی در مورد مذهب در آمریکا، به فوروم پیو موسوم به بررسی دورنمای مذهبی در آمریکا تعلق دارد. این بررسی که مبتنی بر نظرسنجی از ۳۵,۰۰۰ تن از شهروندان آمریکایی است، چندگونگی عظیم مذهبی را در آغاز قرن بیست و یکم در آمریکا نشان می دهد.

گروه های بزرگتر مذهبی در ایالات متحده

در این بررسی مشاهده شد که نزدیک به هشت نفر از هر ۱۰ تن بزرگسال آمریکایی، به کلیسای مسیحی یا یکی از فرق آن تعلق دارد. اعضای کلیسا های پروتستان دارای اکثریت اندکی (۵۱,۳ درصد) در میان بزرگسالان هستند. اما پروتستانتیسم در ایالات متحده یک دست نیست؛ بلکه به سه سنت دینی متمایز، تقسیم شده است، کلیسا های پروتستان انجیلی (دارای ۲۶,۳ درصد از کل جمعیت بزرگسال و بیش از یک سوم تمامی پروتستان ها)؛ کلیسا های پروتستان عمده (۱۸,۱ درصد از جمعیت بزرگسال و بیش از یک سوم از تمامی پروتستان ها)؛ کلیسا های پروتستان تاریخی آفریقایی-آمریکایی (۶,۹ درصد از کل جمعیت بزرگسال و کمی کمتر از یک هفتم تمامی پروتستان ها). پروتستانتیسم شامل تعداد متعددی فرقه نیز هست (مانند باپتیست ها، متدیست ها، و



عبادت کنندگان کلیسای پنتکوست در نیویورک. مهاجرت منجر به تاسیس کلیساهای انجیلی بیشتری شده است.



© API Images/The Fort Wayne Journal Gazette, Chathieowand

در فورت وین، ایندیانا، اعضای معبد بودایی مون برای دعای خیر به مناسبت جشن زندگی راهب لوانگ فوت اوتاما، که در سال ۲۰۰۶ از دنیا رفت، دور هم جمع می‌شوند. پیروان مون از او به عنوان دلایلی لامای خود یاد می‌کنند.

از مذهبی خاص، بخش عظیمی از این گروه عقیده دارد که مذهب دارای نقشی مهم، یا خیلی مهم در زندگی آنان است. تنها ۱,۶ درصد از جمعیت بزرگسال ایالات متحده وجود خدا را قبول ندارد، و در این گروه تعداد مردان بیشتر از زنان است. جوانترها (افراد زیر سی سال) گرایش بیشتری نسبت به جمعیت بزرگسال، به نفی وجود خدا دارند.

تقسیم جغرافیایی گروه های مذهبی

در این نظرسنجی مشاهده شده که هر منطقه ایالات متحده دارای الگوی مذهبی متفاوتی است. غرب میانه، یا بخش مرکزی کشور، بیشتر به ترکیب کل جمعیت کشور شباهت دارد. حدود یک چهارم (۲۶ درصد) از ساکنان غرب میانه عضو یک کلیسای پروتستان انجیلی هستند، از هر پنج نفر، یک تن (۲۲ درصد) عضو یک شاخه اصلی پروتستان می باشد، نزدیک به یک چهارم (۲۴ درصد) کاتولیک هستند، و ۱۶ درصد از ساکنان این منطقه نیز دارای مذهب خاصی نیستند. این تناسب ها تقریباً مانند آن چه در این همه پرسی در مورد کل جمعیت مشاهده شده، است.

در شمال شرق کشور، تعداد کاتولیک ها بیشتر (۳۷ درصد) از سایر مناطق، و دارای کمترین تعداد پیروان کلیسا های پروتستان انجیلی می باشد. تعداد یهودیان در میان ساکنان شمال شرق (۴ درصد) بیشتر از سایر مناطق کشور است. و درست نیمی از پیروان کلیسای پروتستان انجیلی در جنوب ساکن هستند، این در مقایسه با تنها ۱۰ درصد در شمال شرق و ۱۷ درصد در غرب کشور است. اکثریت قریب به اتفاق مورمون ها (۷۶ درصد) در غرب ساکن هستند، و بیشترین تمرکز را در ایالت یوتا دارند. در غرب نیز نسبت افرادی که پیرو مذهب خاصی نیستند، بالاست (۲۱ درصد)، و شامل

بر اساس یافته های بررسی پپو در مورد دورنمای مذهبی، هندو ها تقریباً ۰,۴ درصد از جمعیت بزرگسال آمریکا را تشکیل می دهند. از هر ۱۰ هندی آمریکایی، هشت تن متولد خارج هستند و منحصراً اهل آسیای جنوبی و مرکزی می باشند. نزدیک به نیمی از هندو های ساکن آمریکا دارای مدارک تحصیلی بالاتر از مقطع کارشناسی هستند، و این در مقایسه با یک در ۱۰ کل جمعیت بزرگسال کشور می باشد. هندو ها در مقایسه با سایر گروه ها از درآمد بالاتری هم برخوردار هستند، و از هر ۱۰ نفر آنان، ۴ تن سالیانه بالای ۱۰۰,۰۰۰ دلار درآمد دارند.

بودایی ها ۰,۷ درصد از جمعیت بزرگسال را تشکیل می دهند. بر خلاف اسلام و هندویسم، بودایی های ایالات متحده در وهله اول متولد همین کشور هستند. تنها یک نفر از هر سه پیرو بوداییسم از نژاد آسیایی است، و نزدیک به سه بودایی از هر چهار نفر آن ها، به این مذهب گرویده اند. یک چهارم از بودایی ها دارای مدرک تحصیلی بالاتر از کارشناسی هستند، و این درصد بیش از بقیه در میان جمعیت بزرگسال است. در این بررسی، مشاهده شده که غالب یهودیان آمریکا به یکی از سه گروه عمده یهودیان تعلق دارند: اصلاح طلبان (۴۳ درصد)، محافظه کاران (۳۱ درصد)، و ارتدکس ها (۱۰ درصد). از هر ۱۰ تن یهودی، هشت تن به طور سنتی بار آمده اند و حدود هفت نفر از هر ۱۰ نفر با افرادی از دواج کرده اند که آن ها نیز یهودی بوده اند. بیش از یک سوم از یهودیان دارای تحصیلات بالاتر از مقطع کارشناسی هستند، و مانند هندوها، از سطح درآمد بالاتری نسبت به کل جمعیت برخوردار می باشند.

تعداد زیادی از آمریکایی ها به شاخه سوم مسیحیت، یعنی ارتدکس ها تعلق دارند و پیروان این مذهب، ۰,۶ درصد از جمعیت بزرگسال را تشکیل می دهد. به علاوه، مسیحیت در آمریکا دارای تعداد قابل ملاحظه ای هم مورمون و شاهدان یهوه است. مورمون ها ۱,۷ درصد از جمعیت بزرگسال هستند. حدوداً از هر ده تن مورمون، شش نفرشان دارای تحصیلات دانشگاهی می باشند، و این در مقایسه با نیمی از کل جمعیت آمریکا است. سطح درآمد مورمون ها کمی بیشتر از حد متوسط است و درآمد سالانه اکثریت آن ها (۵۸ درصد) بیش از ۵۰,۰۰۰ دلار است. شاهدان یهوه ۰,۷ درصد از جمعیت را تشکیل می دهند. بیشتر از دو سوم از پیروان این مذهب افرادی هستند که از مذاهب دیگر به آن گرویده، و یا در کودکی پیرو مذهبی نبوده اند.

طبق یافته های این نظرسنجی، ۱۶,۱ درصد از جمعیت بزرگسال خود را پیرو هیچ مذهبی نمی دانند، و به این ترتیب، این گروه به لحاظ بزرگی، چهارمین گروه «مذهبی» در ایالات متحده است. اما مشاهده شده که چندگونگی زیادی در این گروه اخیر وجود دارد و شاید دقیق نباشد که آن ها را به سادگی غیر مذهبی یا سکولار نامید. در واقع، علی رغم عدم پیروی آن ها

بیشترین تعداد افرادی که خدا را قبول ندارند و لادری ها هم می شود.

دین در آمریکا: چندگونه و غیر جزمی

شاید با مشاهده چندگونگی وسیع مذهبی در آمریکا، غالب آمریکایی ها موافق باشند که بسیاری از ادیان – نه فقط دین خود آن ها – راه به زندگی ابدی می برند. در این بررسی دیده شد که بیشتر آمریکایی ها، زمانی که نوبت به تعبیر اصول معتقدات مذهبی شان می رسد، رویکردی غیر جزمی دارند. به عنوان مثال، بیش از دو سوم از بزرگسالانی که به مذهبی عقیده دارند، می گویند برای تعبیر آموزه های مذهبشان بیش از یک راه حقیقی وجود دارد. فقدان جزم اندیشی مذهبی در آمریکا، در کنار حمایت قانونی که همه گروه های مذهبی از آن برخوردارند، به این معناست که اقلیت های مذهبی همیشه منزلی سرشار از مهربانی و صمیمیت در ایالات متحده خواهند یافت. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

آزادی برای انجام شعائر دینی و دادگاه ها

نوشته اندرو سی اسپیروپولوس



Joe Reade/Getty Images

بسیاری از رویارویی های نهائی مربوط به حمایت های قانون اساسی از مذهب در دیوان عالی کشور آمریکا، فیصله داده شده است.

«کنگره، هیچ قانونی در جهت ایجاد و تثبیت مذاهب یا ممنوعیت آزادی عمل به آن ها تصویب نمی کند...»

هنگامی که شهروندان اعتقاد داشته باشند که قانونی ناقض این اصل قانون اساسی آمریکا است، به دادگاه ها مراجعه می کنند که از سوی قانون اساسی برای پاسداری از این اصول تعیین شده اند. شهروندان، قوانین را به دلیل تثبیت غیر موجه یک مذهب، یا ایجاد محدودیت در آزادی عمل به مناسک مذهبی به چالش می گیرند. تصمیم پیرامون انحراف قوانین روز از اصل بنیادین آزادی مذهب، به عهده دادگاه است. نشریه الکترونیکی آمریکا از اندرو سی اسپیروپولوس، استاد حقوق و رییس مرکز مطالعات قانون اساسی ایالتی و دولت در دانشکده حقوق دانشگاه اوکلاهما سیتی خواست تا به طرح تعدادی از موارد حقوقی فرضی شامل «آزادی عمل به مناسک مذهبی» و «بند های تعیین کنند» بپردازد. استاد اسپیروپولوس برای هر یک از این موارد، مکان و افرادی

غیر واقعی را طرح نمود. او حقایقی، از قبیل استدلال قانونی شاکای و دولت را ارائه داده و به توضیح حکم احتمالی دادگاه در این موارد خاص پرداخت. «احکام صادره» تنها تعبیری از تصمیم احتمالی دادگاه است، اما بر مبنای احکام واقعی دادگاه ها استوار می باشند. پس از مطالعه مجموعه این موارد، نکات واقعی اما نامشخص در مورد عملکرد مجاز و غیر مجاز دولت ایالتی را به نسبت هر مورد به طور جداگانه مشخص نمایید.

سناریوی ۱

حقایق: ویلیام دیویس به شعائر یک مذهب بومی آمریکایی عمل می کند. به جای آوردن یکی از مهمترین آیین های مقدس این دین مستلزم استفاده از یک ماده مخدر است. بر طبق قوانین وست ماونتین، محل سکونت دیویس، در اختیار داشتن این ماده مخدر جرم محسوب می شود. هنگامی که کارفرمای دیویس

متوجه شد که او به لحاظ شعائر مذهبی خود از این ماده مخدر استفاده می کند، او را از کار اخراج نمود. از آن جا که دیویس به علت ارتکاب به کار غیر قانونی از کار اخراج شده بود، بر اساس قوانین دولت وست ماونتین مجاز به استفاده از مزایای افراد از کار بیکار شده، نبود. دیویس از دولت وست ماونتین شکایت کرد زیرا می خواست از مزایایی که به حکم قانون به او تعلق می گیرد بهره مند گردد، زیرا او معتقد بود که قانون اساسی به دولت وست ماونتین اجازه نمی دهد استفاده او از این ماده مخدر برای انجام عبادات مذهبی را غیر قانونی اعلام کند.

ادله شاکي: دیویس استدلال می کند که با محروم کردن او از مزایایی که به وی تعلق می گیرد، دولت ایالتی به غلط حق او در به جا آوردن تکالیف مذهبی خود را ضایع کرده است، حتی که در متمم اول قانون اساسی برای او تضمین شده. بحث او این است که قانون دولت ایالتی مبنی بر محروم نمودن او از حقوق بیکاری - قانونی که در اختیار داشتن مواد مخدر را جرم محسوب می کند - ناقض قانون اساسی است زیرا او را از عمل به شعائر دینی خود باز می دارد. قانون دیویس را مجبور می کند که یا از مقررات مذهبی خود عدول کند و یا به خاطر نقض قوانین دولت ایالت و در اختیار داشتن مواد مخدر به زندان برود. دیویس استدلال می کند که قانون اساسی در دو صورت به دولت ایالتی اجازه می دهد که او را از انجام تکالیف مذهبی خود منع نماید: (۱) دولت ایالتی دلیل بسیار مهمی برای این کار داشته باشد، و (۲) قانون تنها راه رسیدن دولت ایالتی به اهداف خود باشد. در این جا دیویس می گوید، دولت ایالتی دلیل موجهی برای بازداشتن او از استفاده از مواد مخدر در مراسم عبادی مذهبی ارائه نکرده است. او با این کار، صدمه ای به خود یا کس دیگری وارد نکرده است؛ او از این مواد، مشابه افرادی که برای هدف لذت بردن آن را استعمال می کنند، استفاده نکرده است؛ و قصد فروش آن را به دیگران ندارد. به عبارت دیگر، دولت ایالتی نمی تواند این قانون را در مورد دیویس به اجرا درآورد. بر طبق قانون اساسی، دولت ایالتی بدون ارائه دلایل قانع کننده ای در محدود نمودن دیویس در انجام تکالیف مذهبی خود، مجاز به مجازات او نمی باشد.

ادله دولت: دولت ایالتی استدلال می کند که دیویس را از حق انجام تکالیف مذهبی خود محروم نکرده است. قانون منع استعمال مواد مخدر تنها در مورد مذاهب خاص و معتقدان به آن مذاهب به اجرا در نمی آید؛ قانون برای همه به طور یکسان اجرا می شود. دولت ایالتی می گوید که قانون اساسی این اختیار به آنها داده است که از دیویس نیز مانند بقیه افراد، مذهبی یا غیر مذهبی، بخواهد که از قوانین تبعیت کنند. دولت ایالتی معتقد است که نیازی به اثبات دلیل بسیار مهمی برای تکلیف کردن قانون ندارد و قانون تنها راه به اجرا درآوردن

مقررات است. تنها کاری که دولت ایالتی باید انجام دهد، ارائه دلایل قانونی است و یک دلیل قانونی نیز ارائه می دهد: برای دولت ایالتی، به اجرا درآوردن قانون برای همه مردم به طور یکسان ساده تر است تا استثنا قائل شدن برای افرادی مانند دیویس که معتقد هستند دلیل خوبی برای نقض قانون دارند.

حکم احتمالی: در این پرونده، احتمالاً دادگاه به نفع دولت ایالتی رأی می دهد. دادگاه از این استدلال دفاع خواهد کرد که چنانچه اجرای قانون، عمل به شعائر مذهبی را با مشکل مواجه می کند- یا آن را عملاً غیرممکن می سازد - قانون اساسی حق سرپیچی از قانون را به هیچ کس نمی دهد. مادامی که قانون در مورد همه افراد، مذهبی یا غیر مذهبی، به طور برابر به اجرا درآید، و علیه افرادی که قانون را نقض می کنند تداپیبری در نظر بگیرد، دولت ایالتی با ارائه دلیل معتبر برای به اجرا درآوردن قانون، می تواند اشخاص مذهبی را نیز مشمول آن بداند. به عبارت دیگر، دولت ایالتی اجباری ندارد افراد مذهبی را از ملزومات یک قانون بی طرف و منصفانه، مستثنا نماید.

سناریوی ۲

حقایق: کلیسای فرقه نوین به دین اوتوپییایی معتقد است. آیین آن ها شامل قربانی کردن حیوانات، مانند کبوتر، مرغ، بز، و گوسفند است. قربانی کردن حیوانات یکی از بخش های مهم آیین ها اوتوپییایی است که جزئی از مقدسات محسوب شده و در مراسمی مانند تشرف اعضای جدید به این مذهب، کشیش شدن، مراسم دعا برای بیماران، و آیین های سالانه، به اجرا درمی آید. تعداد زیادی از ساکنان شهر پالم لیف، که این کلیسا قرار است در آن جا بنا گردد، نگران این مراسم قربانی هستند. آن ها این آیین ها را ناراحت کننده و چندان آوار تلقی می کنند و عقیده دارند که سلامت عمومی را به خطر می اندازد. آن ها از شهرداری خواسته اند تا انجام این مراسم را در کلیسا متوقف نماید. در این شهر قانونی به تصویب رسید که کشتن حیوانات، در صورتی که بخشی از آیین های مذهبی بوده و برای استفاده از گوشت و پوست آن، یا در امور ورزشی، آزمایشات علمی و یا آفات زدایی صورت نمی گیرد، غیر قانونی اعلام می شود. این کلیسا شکایت کرده است که شهرداری قصد جلوگیری از به اجرا درآمدن آیین های مذهبی را دارد. این نمایشگاه در یکی از موزه های شیکاگو، مبین آزادی های بیان، مذهب، مطبوعات و اجتماع کردن است.

ادله شاکي: کلیسا معتقد است که حکم پالم لیف مبنی بر ممنوعیت کشتار حیوانات، اعضای آن را از انجام فرایض دینی خود که قانون اساسی متضمن آن است، محروم می کند. بحث شده که برخورد قانون با افراد مذهبی و افراد غیر مذهبی، برابر نیست. در حالی که ظاهراً این حکم برای همه



© AP Images/Charles Rex Anbogast

این نمایشگاه در یک موزه شیکاگو، آزادی بیان، مذهب، مطبوعات و تجمع را توضیح می دهد.

ادله دولت: شهرداری استدلال می کند که قانون، افراد مذهبی را مورد هدف قرار نداده است و با آن ها برخورد نا برابر نمی کند. قانون برای همه کس، مذهبی یا غیر مذهبی، که به عنوان مراسم مذهبی خود به کشتار حیوانات مبادرت می کنند به طور یکسان به اجرا درمی آید، و بسیاری از این آیین ها و مراسم هم وجود دارد که به هیچ وجه مذهبی نیستند. این امر با آیین کشتار تفاوت دارد، و به همین جهت برخورد دیگری از سوی قانون با آن می شود. زمانی که یک قانون به طور برابر در مورد همه کس به اجرا درمی آید، اشخاص، مذهبی یا غیر مذهبی، از حق قانونی خود برای انجام آزادانه تکالیف مذهبی، محروم نمی شوند. این موضوع، ولو عمل به مراسم ایمانی به خاطر قانون با سختی انجام شود، صادق است.

حکم احتمالی: در این جا دادگاه احتمالاً به نفع کلیسای اوتوپایی رأی خواهد داد. هر چند این حکم در مورد همه و صرف نظر از ایمان مذهبی آنان قابل اجرا است، قانون برخوردی برابر با مردم مذهبی و غیر مذهبی ندارد. این قانون عمده برای کسانی تنظیم شده که به عنوان بخشی از آیین های مذهبی خود، به کشتار حیوانات مبادرت می کنند، و سایر

به طور مساوی قابل اجراست، اما قرائت دقیق آن این است که تنها در مورد افراد مذهبی دلالت می کند. تنها افراد مذهبی هستند که به عنوان بخشی از آیین های عبادی خود به کشتن حیوانات مبادرت می کنند، و تنها این قسم قربانی است که که غیر قانونی شناخته شده. انواع دیگر کشتار حیوانات برای استفاده از گوشتشان و یا شکارکردن به عنوان یک ورزش، غیر قانونی نیست. و روشن است که هدف از تصویب این قانون، باز داشتن معتقدان اوتوپایی از انجام مناسک دینی خود است. این حکم تنها بعد از اعتراضات خصمانه ساکنان شهر، صادر شد. در قانون اساسی ذکر شده است که دولت مجاز به اعمال تبعیض میان شهروندان مذهبی و غیر مذهبی نبوده و حق در پیش گرفتن اقدامات خصمانه علیه افراد مذهبی را ندارد. در مورد پالم لیف، کسی به خاطر عمل به اعتقادات مذهبی خود متهم به جرم می شود، اما افرادی که همان عمل را به دلایل غیر مذهبی انجام می دهند، مورد اتهام واقع نمی شوند. در صورتی که دولت رفتاری متفاوت با افراد مذهبی و افراد غیر مذهبی در پیش بگیرد، باید دلایل معتبری برای این کار ارائه نماید. در این مورد خاص، تفاوتی میان کشتار حیوانات از سوی افراد مذهبی و بقیه افراد وجود ندارد.

از مراسم فارغ التحصیلی یک مدرسه دولتی باشد.

ادله شاکلی: ریورز استدلال می کند که با اجرای مراسم دعا در مدرسه (یک مؤسسه دولتی)، اولین متمم قانون اساسی مبنی بر عدم تثبیت مذاهب، نقض شده است. بحث ریورز این است که دولت برای نشان دادن حمایت خود از دین، حتی به صورت عمومی، در برابر کسانی که به دینی معتقد نیستند، و یا انتشار دین، مبادرت به این کار کرده است. در این جا، و با برگزاری مراسم شکرگزاری و خواندن دعا، دولت به نفع دین وارد عمل شده و نشان می دهد که از آن حمایت به عمل می آورد. به علاوه، دولت با اجبار ریورز به خواندن دعا، او را ملزم به تثبیت دین می کند، یا دست کم این که او را ملزم به محترم داشتن اعتقاداتی می نماید که مورد پذیرش او نیست. دولت نباید حضور او در این مراسم را، که از مهمترین مراحل زندگی اوست، مشروط به شرکت در مراسم دعا خواندن نماید.

ادله دولت: مدرسه مدعی است که ریورز برای نشان دادن حمایت خود از مراسم دعا یا حتی حفظ احترام آن به هیچ وجه مورد فشار و اجبار قرار نگرفته است. او اجباری به شرکت در این مراسم نداشته است، و در صورت شرکت، اجباری به خواندن دعا و یا حتی ایستادن زمانی که بقیه به خواندن دعا مشغول بوده اند، نداشته است. مدرسه استدلال می کند که حمایت از دین غیر قانونی نیست، و تنها برای این است که کسانی که ایمان دارند و به مذهبی معتقد هستند، بتوانند

افرادی که به دلایل دیگر به کشتن حیوانات می پردازند، مستثنا هستند. زمانی که دولت برخوردی متفاوت با افراد مذهبی و افراد غیر مذهبی دارد، می توان استدلال کرد که اشخاص از حق خود در پرداختن آزادانه به مناسک مذهبی، محروم شده اند، مگر این که دولت نشان دهد: (۱) دلیل بسیار مهمی برای وضع این قانون وجود دارد، (۲) وضع این قانون برای نیل به هدفی خاص اهمیت دارد. در این جا، دلیل ممانعت از کشتار حیوانات و یا محدود نمودن آن برای افراد مذهبی و غیر مذهبی باید به طور برابر ارائه شود. این تبعیض تنها توجیهی که دارد، خصومت دولت با دین اوتوپیایی است.

سناریوی ۳

حقایق: میشل ریورز ۱۴ سال دارد و دوره راهنمایی یک مدرسه دولتی را به تازگی به پایان رسانده است. مدرسه به افتخار دانش آموزان فارغ التحصیل مراسمی برگزار می کند. این مراسم معمولاً برای دانش آموزان و خانواده آن ها اهمیت خاصی دارد. مدرسه برای برگزاری دعای آغاز و پایان مراسم، از یک کشیش دعوت به عمل آورده بود. دعا ها تنها به نیت خدا بود و دین خاصی را مطرح نمی کرد. دانش آموزان موظف به همراهی با خواندن دعا و یا ایستادن در طول دعا خوانی نبودند. دانش آموزان برای فارغ التحصیل شدن حتی موظف به شرکت در این مراسم نبودند. ریورز از مدرسه شکایت کرده بود زیرا معتقد بود که دعا خواندن نباید جزئی



© AP Images/Bedford Times-Mail, Scott Brunner

انجمن های آمریکایی مختلفی محل مبارزات قانونی بر سر تعیین مکان بناهای یادبود ده فرمان کتاب مقدس بوده اند. در لورنس کانتی، ایندیانا، یک گروه آزادی های مدنی برای جلوگیری از نصب یک بنای یادبود در محوطه چمن کاخ دادگستری به دادگاه رفتند. در این تصویر کارگران به دستور دادگاه این بنای یادبود را برمی دارند.

ایمان خود را به بیان در آورند. از زمان بنیانگذاری کشور، مدارس و دیگر بخش های دولتی این مکانات را برای ادای شکر و دعا به وجود آورده اند، و معدود افرادی عقیده دارند که برگزاری این قبیل مراسم تاریخی مردم را مجبور به پذیرش مذهب کرده و یا حمایت محسوسی از آن به عمل می آید.

حکم احتمالی: در این مورد، دادگاه احتمالاً به نفع ریورز

رأی می دهد. دولت نمی تواند ریورز را مجبور به انتخاب میان شرکت کردن در مراسم فارغ التحصیلی، که رویداد مهم زندگی اوست، و رعایت احترام مراسمی نماید که او اعتقادی به آن ندارد. درست نیست که از ریورز، که به بلوغ سنی نرسیده، انتظار داشته باشیم برای مواجه نشدن با سرزنش همسن و سالانش، علیرغم میل باطنی خود، برای اجرای مراسم دعا بماند و حتا در طول برگزاری آن از جایش بلند شده و سرپا بایستد. با رعایت این مقررات، او در برابر بقیه به نظر می رسد که مشغول دعا کردن است و یا لافل برای این مراسم احترام قائل می باشد. طبق قانون اساسی، تحمیل دین به افرادی که آن را باور ندارند، مجاز نیست. به علاوه، دولت نباید از اقتدار و منابع خود برای انتشار دین یا تشویق باور های دینی استفاده کند. با حمایت از برگزاری یک مراسم دینی، دولت به افرادی که در این مراسم حضور دارند، می رساند که دین چیز خوب و با اهمیتی است. هنگامی که پیام حمایت از دین از سوی دولت می رسد، دین در تناقض با قانون اساسی، تثبیت می شود.

سناریوی ۴

حقایق: بنای کاپیتول متروپولیس، واقع در نیوهادسون با یک پارک دولتی احاطه شده که در آن بنا های متعددی وجود دارد. یکی از این بنا ها، به ارتفاع دو متر، از سنگ ساخته شده و متن ده فرمان روی آن حک گردیده است. این بنا در میان ساختمان کاپیتول که محل مجلس قانونگذاری است، و ساختمان دیوان عالی قرار دارد. در شرح این بنا آمده است که بیش از ۴۰ سال قبل از سوی گروهی از شهروندان به ایالت اعطا گردیده. هنری منکن، یکی از ساکنان متروپولیس، هر روز برای رفتن به محل کار خود از کنار این بنا می گذرد. منکن دارای هیچ اعتقاد مذهبی نیست، و از این که بنایی حاوی عباراتی در جانبداری از یک مذهب خاص در آن محل قرار گرفته و از سوی دولت مراقبت و نگهداری می شود، خشمناک است. او از دولت ایالتی شکایت کرده و خواستار جابجایی آن شده است.

ادله شاکي: منکن استدلال می کند که قرار دادن بنای یاد بود حاوی یک پیام مذهبی، در محلی که در مالکیت دولت می باشد، به این معناست که دولت در مغایرت با متمم اول قانون

اساسی، به تثبیت دین می پردازد. او بحث می کند که هر انسان عاقلی که از میان این پارک گذر می کند- که یکی از مهمترین مکان های عمومی شهر است - و نوشته روی بنای یادبود را می خواند، به این نتیجه می رسد که دولت ایالتی نیوهادسون از مذهبی که این ده فرمان متعلق به آن است حمایت به عمل می آورد. منکن عقیده دارد که قانون اساسی به دولت اجازه نمی دهد از قدرت و منابع خود در جهت جانبداری یا انتشار باور های مذهبی بهره برداری کند. او بر جابجایی این بنای یاد بود و بیرون بردن آن از محوطه متعلق به دولت، پافشاری می کند.

ادله دولت: دولت ایالتی استدلال می کند که چیزی در

این بنای یادبود نشانی از کوشش دولت در تثبیت دین ندارد. این بنای یادبود حاکی از آن نیست که نیوهادسون قصد تحمیل دین را به شهروندان خود دارد، و یا از دین جانبداری می کند. این بنای یادبود، که در پارکی حاوی بیش از ۳۰ بنای دیگر واقع است، بیانگر اهمیتی که این ده فرمان برای بنیانگذاران این ایالت داشته، می باشد. غالب مردمی که در پارک گردش می کنند و نوشته های روی آن را می خوانند، آن را به منزله یادبودی در قدرانی از تاریخ نیوهادسون تلقی می کنند. آن ها این بنای یادبود را به عنوان رساننده پیامی از سوی دولت در تأیید دین نمی بینند. وجود این بنا ناقض قانون نیست، دولت از وجود آن حمایت می کند و باید سر جای خود باقی بماند.

حکم احتمالی: در این مورد، دادگاه احتمالاً به نفع دولت

ایالتی رأی می دهد. منظور از نوشته های روی آن، باور داشتن دینی خاص و یا تبلیغ آن نیست. این بنای یادبود تأکیدی بر مسئله دین در تاریخ نیوهادسون است. بیشتر مردم معتقد هستند که این بنای یادبود حاوی یک پیام تاریخی است و نه یک پیام دینی، زیرا در محوطه ای قرار دارد که در پیرامون آن بنا های دیگری نیز وجود دارد که دارای پیام های تاریخی هستند. و سایر مردمی که از آن دیدن کرده اند نیز معتقد نیستند که دولت از این راه، دینی را به شهروندان تحمیل می کند؛ مدت هاست که این بنای یادبود بر پا شده و تا به حال شکایتی در مورد آن ابراز نشده است. این بنا به منزله بخشی از تاریخ، از سوی شهروندان پذیرفته شده است، و به همین خاطر، نمی تواند به منزله کوشش دولت برای تثبیت دین و نقض قانون اساسی تلقی گردد. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

ماده اختیار دادگاه: احکام حائز اهمیت دیوان عالی

شربرت علیه ورنر (۱۹۶۳)

سیاستی را که بر اساس اعمال آن در کارولینای جنوبی فرد استخدام شده مجبور شده بود بین تعطیلی روز شنبه، بر اساس اعتقادات مذهبی خود، و برخورداری از مزایای عدم اشتغال یکی را انتخاب کند، مغایر با ماده اختیار دادگاه دانست.

ویسکانسین علیه یودر (۱۹۷۲)

حکم صادره این بود که ماده اختیار دادگاه، نوجوانان مدرسه حکم صادره the Old Order Amish را از رعایت مقررات حضور اجباری در مدرسه معاف می کرد.

دانشگاه باب جونز علیه ایالات متحده (۱۹۸۳)

چالش میان <اصلاحیه نخست> با سیاست <خدمات در آمد داخلی> را در مورد خودداری از در نظر گرفتن معافیت مالیاتی برای مؤسسات آموزشی غیر انتفاعی که از سیاست های تبعیض نژادی پیروی کرده بودند، رد کرد.



Mario Tama/Getty Images

دین مردان یهودی که در زندگی روزمره کلاه مخصوص یهودیان را در خانه و خیابان بر سر دارند، در ایالات متحده غیر عادی نیست. اگرچه به موجب حکم دیوان عالی ایالات متحده یک فرمانده یهودی نیروی هوایی بر اساس قانون لباس های نظامی که استفاده از پوشش سر در مکان های بسته را ممنوع کرده است، نمی تواند از این کلاه استفاده کند.

گولدمن علیه واین برگر (۱۹۸۶)

حکم صادره این بود که ماده اختیار دادگاه، یک افسر یهودی نیروی هوایی را از مقرراتی که استفاده از هر نوع سرافزار را در داخل هواپیما منع می کند، معاف نمی کرد.

خلاصه ای از احکام قابل توجه دیوان عالی آمریکا که توسط «فوروم طرفدار مذهب و زندگی اجتماعی پیو» گردآوری شده است.

رینولدز علیه ایالات متحده (۱۸۷۹)

از تعقیب کیفری موفقیت آمیز یک مورمون سر شناس بخاطر داشتن دو همسر در ایالت یوتا حمایت کرد.

کانتول علیه کانکتیکات (۱۹۴۰)

با لغو حکم محکومیت فردی بخاطر بر هم زدن آرامش، چنین استدلال شد که ماده اختیار دادگاه، علاوه بر دعاوی فدرال در مورد دعاوی ایالتی نیز صدق می کند.

ناحیه مدرسه مینرزویل علیه گویتیس (۱۹۴۰)

مقرر شد که ماده اختیار دادگاه به دانش آموزان مدرسه دولتی که تحت تأثیر مسائل مذهبی قرار گرفته اند اجازه ندهد از مراسم اجباری صبحگاهی کناره گیری کنند.

هیئت آموزشی وست ویرجینیا علیه برنت (۱۹۴۳)

رای گویتیس را باطل دانسته و حق شرکت نکردن در مراسم احترام به پرچم را بر اساس حق آزادی بیان و مذهب مورد تأیید قرار داد.

ایالات متحده علیه بالارد (۱۹۴۴)

در پرونده یک شفا دهنده مذهبی که مدعی بود از نیروی ما فوق طبیعی در شفای بیماران برخوردار است این حکم داده شد که دولت نمی تواند صحت و اعتبار عقاید مذهبی فرد را به زیر سؤال برد اما می تواند صداقت آن عقاید را مورد بررسی قرار دهد.

برونفلد علیه براون (۱۹۶۱)

بحث مطرح شده از سوی بازرگانان یهودی را که تعطیلی شنبه یهودیان را مراعات می کردند و با قانون تعطیلی محل کار در روزهای یکشنبه مخالف بودند، مردود دانست.

کاتر علیه ویلکینسون (۲۰۰۵)
 بحث پیرامون این موضوع که: آن بخش از قانون فدرال در مورد آزادی مذهب که زندانیان و سایر افرادی را که در پرورشگاه‌ها یا خانه‌های سالمندان نگهداری می‌شوند در بر می‌گیرد با «قانون تشکیلات» مربوط به «اولین متمم» مغایرت دارد، رد کرد.



دادگاه‌ها استفاده از پیوتی (نوعی گیاه) را که سرخ پوستان آمریکایی به هنگام نیایش استفاده می‌کنند، مجاز اعلام کرده‌اند.

Photo by Ira Block/National Geographic/Getty Images

گونزالس علیه او سنترو اسپیریئا بنفیسینته یونیاعو دو وگتال (۲۰۰۶)

حکم صادره این بود که RFRA [قانون بازگشت آزادی مذهب سال ۱۹۹۳] از حقوق یک فرقه مذهبی کوچک در مورد وارد کردن و استفاده از مواد توهم‌زا در مراسم مذهبی خود حمایت می‌کند. ■

این مقاله با کسب اجازه از فوروم طرفدار مذهب و زندگی اجتماعی پیو (www.pewforum.org) تجدید چاپ شده است. حق چاپ ۲۰۰۷ مرکز تحقیقات پیو

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس‌کننده دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

اولون علیه شاباز (۱۹۸۷)
 حکم صادره این بود که ملاحظات امنیتی زمینه را کاملاً برای جلوگیری از شرکت این زندانی در یکی از مراسم مذهبی مسلمانان مهیا می‌ساخت.

دایره اشتغال علیه اسمیت (۱۹۹۰)
 عدم پرداخت غرامت بیکاری به دو تن از مشاورین امریکایی الاصل مرکز بازپروری معتادان را که بدلیل خوردن ماده توهم‌زا به عنوان بخشی از یک مراسم مذهبی اخراج شده بودند، تأیید کرد.

کلیسای لوکومی بابالو آیه علیه شهر هیالیا (۱۹۹۳)
 حکم صادره این بود که احکام شهرداری هیالیا در مورد نگهداری از حیوانات در مورد فرقه سانتریان (Santerian) و آیین قربانی کردن حیوانات توسط این فرقه تبعیض قائل شده بود.

شهرداری بورن علیه فلورس (۱۹۹۷)
 در حکم صادره آمده بود که کنگره برای جایگزینی قضاوت خود با قضاوت قوه قضائیه فدرال در مورد اصول آزادی مذهبی که ایالت‌ها ملزم به تبعیت از آن می‌باشند فاقد قدرت کافی است.

لاک علیه دیوی (۲۰۰۴)
 در حکم صادره اقدام یکی از مؤسسات آموزش عالی واشنگتن در حذف کمک‌های یارانه‌ای خود به آنهایی که در رشته‌های مطالعات مذهبی فارغ‌التحصیل شده بودند، اقدامی قانونی تلقی شد.

محافظت از آزادی مذاهب در سطح بین المللی: یک توافق جهانی

نویسنده جان وی هانفورد سوم



© AP Images/Pablo Martinez Monsivais

سفیر جان وی هانفورد سوم ، نظر خواهی سالانه در باره آزادی مذهبی را، که به وسیله وزارت امور خارجه آمریکا انجام شده است پخش می کند.

و محافظت از آزادی مذهب در سراسر دنیا است. کنوانسیون ها و پیمان های بین المللی مانند اعلامیه جهانی حقوق بشر و پیمان بین المللی حقوق مدنی و سیاسی، مدتهاست که آزادی مذهب را یک حق غصب نکردنی بشر قلمداد کرده اند. بر پایه این توافق نظر جهانی ایالات متحده سعی دارد همه دولت ها را تشویق کند تا از این وظایف مشترک بین المللی حمایت کنند، بدون اینکه طرفدار یک رویکرد خاص آمریکایی به این موضوع باشد.

در سال ۱۹۹۸ کنگره ایالات متحده به اتفاق آراء قانون آزادی مذاهب در سطح بین المللی را تصویب کرد. این قانون آنچه را که از لحاظ تاریخی یک اولویت مهم سیاست خارجی ایالات متحده بوده تقویت کرد و ابزارهای جدید برای حمایت و محافظت از آزادی مذاهب فراهم کرد. ایالات متحده هم در

مجامع بین المللی آزادی مذهب را یک حق غصب نکردنی بشر می دانند و ایالات متحده آمریکا تلاش دارد از این حقوق در سراسر دنیا محافظت کند.

جان هانفورد، سفیر سیار وزارت امور خارجه ایالات متحده برای آزادی مذاهب در سطح بین المللی است.

آزادی مذهب، حقی اساسی است که در متمم اول قانون اساسی ایالات متحده ثبت شده است و عمیقاً ریشه در تاریخ و هویت ملی ما دارد. با این حال مهم است که متذکر شویم که نگرانی آمریکا نسبت به آزادی مذاهب محدود به مرزهای آمریکا نمی شود. ایالات متحده، با توجه به اینکه بسیاری از شهروندان در سراسر دنیا توسط دولت هایشان از حق اعتقاد داشتن، انجام اعمال مذهبی و عبادت آزادانه محروم شده اند، متعهد به ترویج

همین راستا آزادی مذاهب برای همگان را با تشویق تبعیت از استانداردهای بین‌المللی، محکوم کردن تخطی از آزادی مذاهب، و حمایت از آزادی مذاهب به عنوان حق اساسی همه مردم ترویج می‌کند.

این قانون، سمت سفیر سیار آزادی مذاهب در سطح بین‌المللی و همچنین دفتر آزادی مذاهب در سطح بین‌المللی را در وزارت امور خارجه ایالات متحده ایجاد کرد. ما با همکاری یکدیگر آزار و تبعیض مذهبی در سراسر دنیا را کنترل می‌کنیم و سیاست‌ها و برنامه‌هایی برای ترویج آزادی مذاهب شکل می‌دهیم. ما از طریق همکاری با سفارتخانه‌های ایالات متحده، مقامات خارجی و گروه‌های مذهبی و حقوق بشر برای مواجهه با فعالیت‌های دولت‌ها که مانع توانایی شهروندان برای عمل آزادانه به اعتقاداتشان می‌شود، آزادی مذهب را ترویج می‌کنیم.

یک ابزار مهم در این راستا، گزارش سالانه آزادی مذاهب در سطح بین‌المللی است که به فرمان‌کنگره تهیه می‌شود. این گزارش خلاصه وضعیت آزادی مذاهب در بیش از ۱۹۵ کشور را در بر دارد و حجم آن از ۸۰۰ صفحه بیشتر است. گزارش سال ۲۰۰۸ در ماه سپتامبر صادر خواهد شد. این گزارش و گزارش‌های سال‌های گذشته در تارنمای وزارت امور خارجه و همچنین در تارنمای بسیاری از سفارتخانه‌های ایالات متحده که در آنها این گزارش به زبان محلی ترجمه شده است، در دسترس می‌باشند.

دفتر آزادی مذاهب در سطح بین‌المللی همچنین توجه نزدیکی به رفتار با اقلیت‌های مذهبی دارد. ما کشورها را تشویق می‌کنیم که تبعیض بر ضد گروه‌های اقلیت مذهبی را متوقف کند و برای آنها این امکان را میسر می‌کنیم که در کشورهایی مانند روسیه، ترکمنستان، مصر، اندونزی و پاکستان قانوناً ثبت شوند و آزاده فعالیت کنند. در عراق این اداره از مشارکت بیشتر اقلیت‌های مذهبی، در فرآیند سیاسی حمایت کرده است و ما دولت‌ها را در آسیا، اروپا و دیگر نقاط تشویق کرده ایم که به آزادی جمعیت اقلیت مسلمان خود احترام بگذارند.

جالب بود که هنگام انتشار گزارش سالانه آزادی مذاهب در سطح بین‌المللی در سال ۲۰۰۷ دو آیین مذهبی در ایالات متحده همزمان اعیاد مذهبی داشتند: مسلمانان ماه رمضان را روزه می‌گرفتند و یهودیان همزمان روش هشانا (سال نو یهودیان) را جشن می‌گرفتند، و این امر ما آمریکاییان را به یاد سنت والای عبادت آزاد و محترمانه می‌انداخت. کاندالیزا رایس، وزیر امور خارجه نیز در آن هنگام گفت: «ایالات متحده، از طریق روابط دو جانبه، تلاش در موسسات بین‌المللی و مذاکرات مستمر درباره این موضوع با مردمان در سراسر دنیا، به تلاش برای ترویج آزادی مذاهب، تقویت بردباری و ساختن دنیایی صلح‌آمیزتر برای پیروان همه مذاهب ادامه خواهد داد.» ■

ایجاد توازن میان کار و مذهب

نوشته کریستوفر کانل



© AP Images/Mark Lennihan

یک راننده مسلمان پاکستانی به هنگام ظهر در نوبت خود در شهر نیویورک به عبادت می پردازد.

یکی از کارکنان قهوه فروشی استارباکس در هیلزبرو، اورگان، ادعا می کند او را نه به خاطر وقت نشناسی، بلکه به دلیل این که یک گردنبنند ویکایی می انداخته است، از کار اخراج کرده اند.

در نیوجرسی، پالایشگاه کونوکوفیلیپس به خاطر عدم موافقت با تطبیق ساعت کار یک نصاب لوله مسیحی با مراسم صبح یکشنبه کلیسا، از سوی کمیسیون فرصت شغلی برابر آمریکا (EEOC) به دادگاه احضار شده است.

و در فینیکس، آریزونا، بعد از یک مبارزه شش ساله در دادگاه، به حکم هیئت منصفه فدرال، مبلغ ۲۵۰,۰۰۰ دلار از سوی شرکت کرایه اتومبیل آلاموبه یکی از کارمندان اهل سومالی قسمت فروش اهل سومالی که در ماه رمضان می خواست حجاب بر سر داشته باشد، پرداخت گردید.

با افزایش فزاینده چندگونگی در جمعیت آمریکا، هر روزه تعداد بیشتری از کارمندان و کارگران در خواست برخورداری از آزادی در انجام تکالیف مذهبی خود در محیط کار را می کنند. آن ها قانوناً از حق تطبیق تکالیف مذهبی خود با ساعات کاری برخوردار هستند. آن ها گاهی با مقاومت همکاران یا رؤسای خود روبرو می شوند. اما در تعداد فزاینده ای از

مصوبه حقوق مدنی مورخ ۱۹۶۴، به خاطر غیر قانونی اعلام کردن تبعیض نژادی در مدارس و مکان های عمومی در ایالات متحده، بسیار شناخته شده است. اما این قانون، نقطه عطفی هم در حمایت از نیروی کار در برابر جزم اندیشی بود، به ویژه تبعیض قائل شدن میان افراد به دلیل اعتقادات مذهبی آن ها. قانون حامی کارمندان و کارگرانی است که با سیاست های شغلی تبعیض آمیز در حوزه باورهای مذهبی خود روبرو می شوند.

کریستوفر کانل یکی از روزنامه نگاران پرسابقه و با تجربه در واشنگتن است که در مورد مسائل مربوط به سیاست عمومی نوشته های زیادی دارد.

در فرودگاه بین المللی مینیاپولیس-سنت پل، رانندگان تاکسی مسلمان که مهاجران سومالی هستند، از سوار کردن مسافرانی که بعد از سپری کردن تعطیلات به خانه برمی گردند، و با خود مشروبات الکلی دارند، خود داری می کنند، و این کار هم آینده شغلی آن ها را با خطر مواجه می کند و هم مردم را به خشم می آورد.

پرونده های قضایی، آن ها از حمایت قانونی EEOC بهره مند می گردند.

و تعداد زیادی از شرکت ها متوجه می شوند که فراهم کردن شرایط مناسب برای آن ها به نفع کار شرکت است.

قانونی مبتنی بر برابری و احترام

لوک ویسکونتی، شریک و مؤسس مشترک مجله دایورسیتی اینک عقیده دارد که تطبیق دینی، روشی محترمانه ای برای کنار آمدن با انسان ها و در پیش گرفتن رفتار برابر با آن ها برای برخورداری از یک محیط کار هماهنگ و سازنده است. او می گوید، ما این کار را نه به خاطر شایستگی سیاسی، بلکه برای افزایش تولید و سازندگی و ارتقای میزان سود دهی انجام می دهیم.

ویسکونتی گفت، حسن دیگر آن برای شرکت های آمریکایی این است که آن ها یاد می گیرند با مشتریان مسلمان یا یهودی و مسیحی، یا هر مذهب دیگری که کار خود را با آن وفق می دهند، چگونه برخورد کرده و چه نوع رفتاری در پیش بگیرند.

شرکت هایی مانند شرکت تگزاس اینسترومنتز، در کارخانه های مونتاژ خود، و برای زمان نماز و دعای کارگران مسلمان، دست به ایجاد «اتاق های آرامش» زده اند، و به علاوه تسهیلاتی هم برای وضو گرفتن آن ها قبل از نماز فراهم کرده اند. شرکت اتومبیل سازی فورد و دیگر شرکت ها مشوق تشکیل گروه هایی از کارگران همکیش بوده اند، تا اعضای آن ها دسته جمعی به انجام تکالیف مذهبی خود پرداخته یا با یک دیگر گفتگو کنند.

وقتی شرکت آی بی ام بعد از حملات تروریست ۱۱

سپتامبر تدابیر امنیتی شدید تری در پیش گرفت، یکی از زنان مسلمانی که جدیداً به استخدام درآمده بود می ترسید شغل خود را از دست بدهد، زیرا مایل نبود عکس بدون حجاب او روی کارت شناسایی اش چاپ شود. اما مسئول خدمات کامپیوتری خیال او را راحت کرد و دو کارت شناسایی به او داد، یکی با حجاب، و یکی بدون حجاب که فقط مسئولان امنیتی زن می توانستند آن را ببینند.

جورجت اف بنت، رییس و بنیانگذار مرکز تاننهام برای درک میان مذهبی، گفت، آن ها با این کار یک کارمند وفادار به کارمندان شان اضافه کردند. او به این زودی ها کارش را ترک نخواهد کرد زیرا با احترام، و طوری با او رفتار شد که او احساس یک شهروند درجه دومی را نکرد. به موجب بند هفتم مصوبه قانون حقوق مدنی سال ۱۹۶۴، اعمال تبعیض نژادی، مذهبی، جنسیتی، یا مربوط به اصل و نسب، ممنوع است. EEOC در ابتدا مقرر کرده بود که کارفرمایان می بایست شرایط کار را

با تکالیف دینی کارمندان و کارگران خود تطبیق دهند، مگر این که خللی در روند کار ایجاد شود. در سال ۱۹۷۲، کنگره برای محکم کاری، درخواست رعایت شرایطی را نموده بود که موجب ایجاد مشکلات غیرضروری نگردد. اما دیوان عالی ایالات متحده در سال ۱۹۷۷ و طی صدور حکم برای پرونده شرکت خطوط هوایی ترانس ورلد در مقابل هاردیسون، با این تصمیم که هر چیزی که از حداقل هزینه فراتر رود، مشکل غیر ضروری محسوب می شود، باعث تضعیف این قانون شد. گروه های مذهبی، من جمله ادونتیست های روز هفتم و یهودیان ارتدکس، که هر دو از طرفداران سرسخت مراسم سبت می باشند، سال هاست که برای تقویت دوباره این قانون دست به تلاش زده اند اما هنوز به نتیجه ای نرسیده اند.

با این حال، تعداد فزاینده ای از رؤسای اجرایی و مدیران امور پرسنل مدافع این اصل هستند که کارمندان و کارگران آمریکایی حق دارند همراه با ایمان مذهبی خود چه در سر کار و چه در خارج از آن، زندگی کنند. به گفته اریک پیترسون، رییس بخش طرح های ابتکاری چندگونی و شمول در جامعه مدیریت امور پرسنل که دارای ۲۴۰,۰۰۰ تن عضو می باشد، این یکی از اصلی ترین مسائل مطرح در امور پرسنلی است.

پیترسون، رییس سابق آموزش چندگونی در شرکت مشاور بوز الن هامیلتون گفت، مردم لزوماً برای دعوت همکارانشان به دین خود یا فراخواندن آن ها به آیین های دیگر به دنبال آزادی نیستند، آن ها فقط می خواهند در محدوده ایمان مذهبی خود زندگی و کار کنند. او گفت، این موضوع ممکن است چالش انگیز گردد، مخصوصاً برای افراد غیر مسیحی که طبق سنن مذهبی خود باید ظاهر، لباس، و رفتار خود را با ایمان مذهبی خود تطبیق دهند، و این درست همان چیزی است که در محیط های کار خیلی تشویق آمیز نیست. او گفت، غالب



Robert Nickelberg/Getty Images

این زنان در انجمن آمریکایی زنان عرب، از سیصد هزار نفر آمریکایی عرب تبار در منطقه نیویورک حمایت می کنند.



© AP Images/Eric Risberg

سوزان مک دافی، سمت چپ، مدیر منطقه سان فرانسیسکو در کمیسیون فرصت های شغلی برابر ایالات متحده، به حرف های وکلای کارکنان EEOC گوش می دهد که در یک کنفرانس خبری درباره یک پرونده حقوقی صحبت می کنند. اینگونه موارد حقوقی در کمیسیون طی سال های اخیر افزایش یافته اند، چرا که در ایالات متحده تنوع مذاهب در محل کارها بیشتر شده است.

که در پالایشگاه کونوکوفیلیپس واقع در لیندن، نیوجرسی به او دستور داده شده بود روز های یکشنبه صبح باید کار کند، هنوز در دادگاه مطرح نشده است. توماس گفت که در آغاز به او گفته شده بود می تواند برای شرکت در مراسم مذهبی یکشنبه ها صبح، از مرخصی اش استفاده کند، اما بعد این اجازه هم به او داده نشد. بیل گراهام، یکی از سخنگویان ادارات مرکزی این شرکت نفتی واقع در هوستون گفت، ما چندگونی کارمندان را یک موهبت می دانیم، و شرکت هرگونه تبعیض و تجاوز به حقوق آن ها را ممنوع کرده است. او اشاره کرد افرادی که مانند تامسون، عضو اتحادیه هستند، می توانند مراتب را به شعبه محلی اتحادیه خود گزارش دهند و یا با خط اضطراری کونوکوفیلیپس تماس بگیرند.

اختلاف میان مسئولان فرودگاه بین المللی مینیاپولیس- سنت پل، که بیست و یکمین فرودگاه پر رفت و آمد جهان است، با رانندگان تاکسی سومالیایی هنوز حل و فصل نشده است. از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷، این رانندگان بیش از ۴۸۰۰ مسافرا را از خدمات تاکسیرانی محروم کرده و ادعا می کنند که بعضی از مسافران همراه با بار خود، مشروبات الکلی نیز می آورند. در آغاز، رانندگانی که از بردن مسافر خود داری می کردند، به آخر صف فرستاده می شدند، اما از ماه مه ۲۰۰۷، در صورت مشاهده اولین خطا مجوز آن ها برای ۳۰ روز ضبط می شود و در بار دوم خود داری از سوار کردن مسافر، مجوز آن ها برای دوسال ابطال می گردد.

رانندگان تاکسی مسلمان در فرودگاه های دیگر ایالات متحده هم کار می کنند، اما تنها در فرودگاه این شهر های دوقلو بوده که با چنین مشکلی روبرو شده اند. پاتریک هوگان، رییس روابط عمومی کمیسیون فرودگاه های شهری، گفت من نمی دانم که چرا این مورد در دیگر فرودگاه ها رخ نداده است، ولی من فکر می کنم موضوع مربوط به چگونگی تعبیر قرآن از سوی بخشی از جمعیت مسلمان است. جامعه مسلمان آمریکایی مینه سوتا جواب درخواست برای اظهار نظر را نداد.

مواقع، نیازی نیست که پول هنگفتی برای این موضوع هزینه شود. فقط باید ذهن خود را بازکنیم و بگوئیم، خیلی خوب، ما دیگر از چه راهی به غیر از این راه تماماً مسیحی می توانیم این کار را انجام دهیم؟

قانون مبارزه با تبعیض مذهبی در محیط کار در مورد شرکت هایی که دارای بیش از ۱۵ کارمند هستند، قابل اجرا می باشد. EEOC در ژوئیه سال ۲۰۰۸ به چاپ یک جزوه ۹۴ صفحه ای برای تشریح موارد رعایت این قانون، همراه با ده ها مورد نمونه مبادرت کرده است تا کارفرمایان با شرایطی که برای تطبیق کار با نیازها و باور های مذهبی کارمندان باید فراهم کنند، آشنا شوند.

بنت گفت، این موضوعی بوده است که کسی جرأت نزدیک شدن به آن را نداشته، چون مردم در مورد مسائل مربوط به دین و مذهب راحت نیستند. ما طبق سنت دوست داریم به مذهب به عنوان موضوعی که هنگام ورود به محیط کار، بیرون در باقی می ماند بیندیشیم، اما در عالم واقعیت این اتفاق نمی تواند بیفتد و نمی افتد.

موارد چالش انگیز تبعیض

از اوایل دهه ۱۹۹۰، یعنی زمانی که چندگونی فرهنگی و مذهبی از طریق مهاجران گسترش زیادی در ایالات متحده پیدا کرد، شکایات در مورد تبعیض مذهبی به EEOC دو چندان شده و در سال ۲۰۰۷، به ۲۸۸۰ فقره بالغ گشت. موارد تبعیض نژادی و جنسیتی از سایر موارد بیشتر هستند (و دو سوم حجم شکایات رسیده به EEOC را تشکیل می دهند)، اما در طول دهه اخیر میزان آن ثابت مانده است، در صورتی که شکایات در مورد تعصبات مذهبی از ۲٫۱ درصد کلیه موارد، به ۳٫۵ درصد افزایش یافته است. بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر، EEOC تأکید بیشتری بر دفاع از مسلمانان، اعراب، آسیای جنوبی ها و سیک ها در برابر عکس العمل در محیط های کاری، گذاشت.

در پرونده شرکت کرایه اتومبیل آلامو، بیلان نور یک مهاجر ۲۲ ساله سومالیایی به خاطر مخالفت با برداشتن حجاب خود در طول ماه مقدس رمضان مسلمانان، در دسامبر سال ۲۰۰۱ از کار اخراج شد. EEOC از طرف این فرد، از آلامو شکایت کرد، هیئت منصفه ۳۷,۶۴۰ دلار به عنوان جبران خسارات و ۲۵۰,۰۰۰ دلار مجازات مالی از این شرکت برای کارمند خود گرفت. سالی شانلی، سرپرست وکلای حقوقی EEOC گفت، هیئت منصفه مقداری از شهادت های افراد نماینده آلامو در مورد علت اخراج نور را اصلاً باور نمی کرد. آلامو این مبلغ را سرراست کرد و ۲۵۰,۰۰۰ دلار برای خاتمه پرونده پرداخت. صاحبان فعلی این مؤسسه از هرگونه اظهار نظری در این مورد خود داری کرده اند. اختلاف در مورد کلارنس توماس، نصاب باتجربه لوله،

آیا افزایش حجم کاری EEOC به معنای حاد تر شدن این مشکل است؟

دیانا جانستون، معاون مشاور حقوقی EEOC اظهار داشت، مشکل می توان به این سؤال پاسخ داد. در دو یا سه دهه اخیر، چندگونگی مذهبی زیادی در محیط های کار در آمریکا به چشم می خورد. این هم بخشی از آن است. مردم هم نسبت به دین خود در محیط های کاری و به طور کلی در جامعه باز تر شده اند. و همین موضوع می تواند موجب سوء تفاهم هایی شود.

او ادامه داد، قانون تنها از معتقدان به دین های عمده جهان حمایت نمی کند. بلکه از همه باور های اخلاقی در مورد حق و ناحق که آن را اعتقادی صادقانه بشناسد، جانبداری می کند. قانون از کسانی که اعتقاد مذهبی هم ندارند حمایت می کند. کارمندان و کارگران در بسیاری از اختلافات کاری خود پیرامون ساعات کار یا مجوز استفاده از یارمولک یا کوفی کلاه های مخصوص دعا، به بند هفتم مصوبه حقوق مدنی استناد می کنند. برای مثال، EEOC در دیترویت، از HCR مانور کر که سازمانی زنجیره ای برای نگهداری از سالمندان است، به خاطر اخراج یکی از کارکنان به دلیل داشتن یک کیرپان در زیر لباس خود، شکایت کرده است. کیرپان، یک چاقوی سه اینچی دو لبه است که در غلاف نگهداری می شود، و یکی از نماد های مقدس در مذهب سیک می باشد.

بسیاری از مذاهب، پیروان خود را تشویق می کنند که افراد دیگر را به کیش خود دعوت کنند، و بعضی گروه ها ادعا دارند که بند هفتم، حق صحبت از باور های دینی در مواقع استراحت و سؤال در مورد اعتقادات سایر همکاران را برای پیروان آن ها در نظر گرفته است. اما به گفته جین گولدرگ، یکی از وکلای مشاور ارشد EEOC، در صورتی که همکار مذکور از آن ها بخواهد که به این کار ادامه ندهند، آن ها نیز باید به خواست او عمل کنند. کارفرما دو تعهد دارد: تا جای ممکن امکاناتی برای آزادی بیان در زمینه دینی فراهم کند ... و تجاوز به باور های دینی کارکنان را موقوف نماید.

این یک اقدام متوازن کننده است، هم برای کارفرمایان و هم برای دادگاه ها.

در پرونده پیترسون مقابل شرکت هیولت-پاکارد، دادگاه استیناف منطقه نهم در سال ۲۰۰۴، به اخراج ریچارد پیترسون

رای داد که به نصب پوستر های موافق با چندگونگی در شعبه بویزی، آیداهو شرکت هیولت-پاکارد اعتراض کرده بود. پیترسون که یک مسیحی مؤمن بود، در اطراف میز کار خود آباتی از کتاب مقدس را در تقبیح همجنس بازی به نمایش گذاشته بود؛ او اذعان داشت که پیام هایش بسیار آزار دهنده بودند. دادگاه استیناف اظهار داشت که شرکت حق دارد چندگونگی را تشویق کرده و احساس مدارا و خیرخواهی را در میان کارمندان اشاعه دهد.

اما در همان سال یکی از قضات فدرال در دنور، به علت اخراج یک کارمند شرکت AT&T به خاطر مخالفت وی با امضای اساسنامه شرکت که در آن «احترام گزاردن و ارزش نهادن به تفاوت های موجود میان همه ما» درج شده بود، شرکت را مجبور به پرداخت مبلغ ۱۶۶,۰۰۰ دلار به عنوان خسارت نمود. به حکم قاضی، شرکت باید راهی برای کمک به آلبرت آبونانو که گفته بود او به عنوان یک مسیحی همه آدم ها را دوست داشته ولی برای همجنس خواهی «ارزش» قائل نبود، پیدا می کرد.

اریک پیترسون، رییس امور چند گونگی جامعه مدیریت منابع انسانی، چالش مدیران منابع انسانی این شرکت، یافتن راهی برای حفظ حسن رابطه در محیط های کار است، مخصوصاً در محیط هایی که کارمندان و کارگران دارای دیدگاه های کاملاً متفاوت نسبت به دین و شیوه زندگی هستند. پیترسون گفت، آن چه سازمان ها باید بشنوند، این است که امکان این مورد است که مردم را صرف نظر از مذهب و گرایش های جنسی آنها، محترم شمرد و امکان همزیستی هر دو گروه وجود دارد. لزومی ندارد آن ها با یک دیگر صمیمی باشند. و کسی مجبور نیست همکاری را برای مهمانی باربکیو بعد از مراسم یکشنبه در کلیسا، به منزلش دعوت کند. اما باید بتوانید به نحو محترمانه و سازنده ای با آن ها کار کنید - و این موضوع دو طرفه است. ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

جنبش میان مذهبی

نوشته گوستاو نیبور



© AP Images/Nick Ut

ساکنان محلی لس آنجلس (راست)، به بودیست های تایلندی که غذاهای اهدائی آنها را قبول می کنند، تعظیم می کنند.

ها به دعوت از غیر یهودیان - پروتستان ها، کاتولیک های پیرو کلیسای رم، و گاهها مسلمانان آمریکائی- برای صحبت در سازمان یهودی ملی خود اشتغال داشت. او می گفت، اماچنین کاری در سطح محلی انجام نشده بود. مهم بود که این تجربه امتحان بشود.

مدتی گذشت، اما قبل از سپری شدن یک سال، بعضی از اعضای اصلی بت ال موافقت کرده بودند صحبت هایی را با همتایان خود در جامعه اسلامی لانگ آیلند، که مسجدی در چند مایلی آن جا بود، آغاز کنند. آن ها متواضعانه و به سادگی از تعریف دو مذهب از لحظات مهم زندگی شروع کردند (هنگام تولد یک نوزاد شما چه کار هایی انجام می دهید؟ جشن عروسی را چگونه برگزار می کنید؟) و سپس به بحث درباره اصول خداشناسی در کتب مقدس خود پرداختند. یهودیان و مسلمانان وقتی در مورد یک دیگر به اندازه کافی

در مدت بیش از یک قرن، بعضی از آمریکائیان، با امید به ایجاد درک متقابل و همکاری بیشتر در جوامع خود، کوشش کرده اند تا با گروه های دیگر مذهبی ایجاد ارتباط نمایند. گوستاو نیبور مؤلف کتاب فراسوی مدارا: در جستجوی درک میان مذهبی در آمریکا است. او دانشیار ادیان در دانشگاه سیراکوز نیویورک هم می باشد.

در سال ۱۹۹۱، خاخام یکی از کنیسه های حومه نیویورک در لانگ آیلند، از یکی از رهبران مذهبی خود سئوالی کرد. آیا گروهی از مسلمانان در آن نزدیکی هست که بخواد با اعضای کنیسه آشنا شود و از طریق وجوه مشترک مذهبی با یک دیگر آشنایی بیشتری پیدا کنیم؟ این فکر برای خاخام جروم دیویدسون، رهبر روحانی معبد بت ال در ناحیه ناساو، نیویورک، خیلی هم فکری غیر عادی محسوب نمی شد. او سال



Photo Courtesy of Aaron Lichtov / Amos and Celia Heilicher Minneapolis Jewish Day School

دانشجویان یهودی و مسلمان در یک تبادل نظر مذهبی به وسیله کلیسا های سنت پل در ایالت مینه سوتا (مدرسه روزانه یهودیان هیلچر در مینه سوتا)

شناخت یافتند، در مقام مقایسه اختلافات خود بر سر خاورمیانه برآمدند - آن طور که دیویدسون آن را می خواند، «مسائل پیچیده». زمانی که من پیرامون تحقیق در مورد کتابی راجع به مناسبات میان مذهبی مصاحبه ای با اوترتیب دادم، دامنه این مباحث به سال پانزدهم کشیده شده بود. فروغ خان، پزشکی که به عنوان رییس مسجد هم خدمت می کرد، گفت آیا فرقی می کند؟ در سطح جهانی فرقی نمی کند، اما اگر بتوانم کاری کنم که شناخت دو جامعه نسبت به یک دیگر بیشتر شود، من نام آن را موفقیت می گذارم. اگر این قضیه به نظر غیر عادی می آید، دلایل این است که این گونه برخورد ها معمولاً سروصدایی به پا نمی کنند و جایی در عناوین خبری ندارند، که به نظر می رسد این عناوین فقط به درد گزارش دادن از مخاصمات می خورند،

نه همکاری میان گروه های مذهبی. اما جلسات لانگ آیلند در الگویی می گنجد که گویا فقط در ایالات متحده یافت می شود. علیرغم این که در اخبار، اختلافات مذهبی با تنش و خشونت رابطه مستقیم دارند، اما همکاری میان آمریکاییان متعلق به سنت های مختلف، رو به تزاید است. این گرایش معمولاً در قالب تشکیل منظم جلسات میان اعضای فرقه های مختلف مذهبی بروز می کند؛ حال این جلسات برای برگزاری گفتگوی رسمی، یا تشریح مساعی در پروژه های اجتماعی، مانند اداره یک غذاخوری خیریه یا ایجاد برنامه های سوادآموزی برای کودکان است. در پژوهشی متعلق به مؤسسه تحقیقات مذهبی هارتفورد در کانتی کات، گزارش داده شده که از میان فرق مذهبی که از سوی این مؤسسه مورد سؤال قرار گرفته بودند، - مسیحیان، یهودیان، مسلمانان، و غیره - تلاش های اجتماعی و مشارکت های آنان به میزان چهار برابر افزایش داشته است و در فاصله سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۵، میان همه فرق به ۳۸ درصد بالغ گردیده است.

ملت با ایمان

وجود دو عامل، این روند را توضیح می دهد. اول و مهم تر از هر چیز، طبق آمار ملی موجود، ایالات متحده کشوری مذهبی است. آمریکاییان برای باورها و اعمال مذهبی پایه، که معرف حیات کشور، گذشته و حال آن می باشد، ارزش زیادی قائل هستند. در ژوئن سال ۲۰۰۸، سازمان غیر انتفاعی پیو در زمینه مذهب و زندگی مردم یک همه پرسی وسیع، با شرکت ۳۵,۰۰۰ تن ترتیب داد و نتایج آن را چنین اعلام کرد، که ۹۲ درصد از مردم آمریکا به خدا اعتقاد دارند؛ ۷۵ درصد اظهار داشته اند که هفته ای یک بار دعا می کنند، و بسیاری از مردم روزانه به این کار مبادرت می کنند. این یافته ها با

نظرسنجی های سابق که طی آن اعلام شده بود از هر ۱۰ آمریکایی ۷ نفر مذهب را در زندگی خود «مهم» یا «خیلی مهم» تلقی می کنند، تطبیق دارند. سابقه این باور که ایمان به خودی خود فضیلتی با ارزش است را می توان در تاریخ آمریکا جستجو کرد. پرزیدنت جورج واشنگتن در نطق تودیع خود در سال ۱۷۹۶ اظهار داشته بود که شهروندان جمهوری قادر به اداره خود نبوده و از آزادی های خود به تمام و کمال استفاده نخواهند کرد مگر این که از فضیلت برخوردار باشند. واشنگتن گفته بود، و فضیلت مدنی بر مبنای مذهب و اخلاق به دست می آید. (او مشخص نکرده بود کدام مذهب.)

و دوم این که، روند مشارکت های میان مذهبی، ارتباط نزدیکی با تغییرات جمعیت شناختی دارد که از چند دهه پایانی قرن بیستم در ایالات متحده جریان داشته است. در اکتبر سال ۱۹۶۵، بعد از هفته ها مباحثه در کنگره، پرزیدنت لیندن بی جانسون حکم اجرای قوانین مربوط به اصلاحات همه جانبه مهاجرت را امضا کرد. طبق قانون تازه، درهای کشور به روی مهاجران جدید آسیایی، آفریقایی، و آمریکای لاتینی باز شد - این هجوم جمعیت موجب چندگونگی دورنمای مذهبی کشور گردید. آمریکایی های نورسیده، نه تنها شامل مسیحیان و یهودیان بودند که دست کم از قرن هفدهم در کشور حضور داشتند، بلکه اکنون، جوامع بودایی، هندو، جایینیست، مسلمان ها، سیک ها، زرتشتی ها، و سایرین را نیز شامل می شد. به لحاظ عملی، این مهاجرت به معنای همزیستی همه افراد معتقد به مذاهب گوناگون در کنار یک دیگر است: در شهر های بزرگ و حومه آن ها، مسیحیان، یهودیان، مسلمانان، هندو ها، و بودایی ها خود را در محیط های کاری، فضا های آموزشی، و محلات، در کنار یک دیگر می یابند. شمار فزاینده ای از افراد قصد دارند این گروه های چندگونه را باز هم به یک دیگر نزدیک تر کنند. ابو پاتل، یک مسلمان هندی تبار

که خانواده اش در دهه ۱۹۷۰ به غرب میانه مهاجرت کرد، مایل است از طریق گفتگو و فعالیت هایی که موجب امتزاج بیشتر این گروه ها می شود، کلیشه ها را از بین ببرد. پاتل بعد از اتمام تحصیلات دوره کارشناسی خود در ایلینوی و دوره کارشناسی ارشد در آکسفورد، اقدام به پایه گذاری « هسته میان مذهبی جوانان » نمود که در شیکاگو واقع است. این سازمان در وهله اول در محیط های دانشگاهی فعال است، و از دانشجویان برای ملاقات با معتقدان به سایر مذاهب، بحث در مورد باور های اصلی، و کار داوطلبانه در پروژه ها، مانند تعمیر خانه فقرا و نظافت پارک های شهر، ثبت نام به عمل می آورد. پاتل که اکنون مدیر اجرایی این سازمان است می گوید، اندیشه آن ها تغییر دادن مذهب اعضا نیست، بلکه استحکام بخشیدن به عقاید و هویت مذهبی دانشجویان در حین کشف آن دسته از سنت های اخلاقی است که مذاهب به طور مشترک دارا هستند.

تاریخچه جنبش میان مذهبی

ایده اصلی گفتگوی اندیشمندان میان اقلیت های مذهبی در شیکاگو به یک رویداد تاریخی منحصر به فرد در ۱۱ سپتامبر سال ۱۸۹۳ باز می گردد. در آن تاریخ، و درست هنگامی که شیکاگو میزبان نمایشگاه بین المللی بود، کنفرانس خاصی ترتیب یافت. این کنفرانس که پارلمان جهانی مذاهب نام داشت، از سوی پروتستان های محلی برگزار شد و از نمایندگان ۱۰ گروه مذهبی برای شرکت در آن دعوت شد تا هر یک درباره باورها و اعمال مذهبی خود سخن بگویند. این رویداد که دو هفته به طول انجامید، به عنوان یک دوره درس عمومی ادیان تطبیقی، در تمام کشور شور و هیجان برپا کرد. هزاران تن در آن شرکت کردند، از جمله خبرنگاران که شرح مفصل آن را از کرانه تا کرانه آمریکا گزارش کردند. آن چه به طور خاص مطرح شد، توجه ویژه به دو تن از ناطقان غیر مسیحی بود، یک معلم هندو به نام سوامی ویوه کاناندا، و یک راهب بودایی موسوم به آناگاریکا دارماپالا. هر یک از این دو معرف مذهبی بود که آمریکایی ها با آن آشنایی نداشتند و به سختی آن را درک می کردند. این دو تأثیر زیادی هم بر شنوندگان گذاشته بودند و هم بر خوانندگان روزنامه ها که تیراژشان افزایش زیادی یافته بود. این دو چهره مذهبی متعلق به آسیای جنوبی، هر دو خواستار گفتگو و احترام متقابل میان مذاهب جهان بودند. ویوه کاناندا که در روز اول این گردهمایی به سخنرانی پرداخت، از نواختن زنگی در جلسه افتتاحیه خبر داد که ناقوس مرگ انواع تعصب و جزم اندیشی بود. ما البته می دانیم که آروز هایی که او بیان کرد، تنها بیش از یک قرن بعد تحقق یافت، اما حرف های او برای بعضی منبع الهام باقی ماند.

این پارلمان بدون برخورداری از جانشینی که سال های

بعد هم آن را به پیش ببرد، کار خود را به پایان رساند. توجه گستره به گفتگو، در واقع تا اواسط دهه ۱۹۹۰ نه در ایالات متحده به وقوع پیوست و نه در بریتانیا. در سال ۱۹۹۳، سالگرد صدمین سال این پارلمان، موجب جذب هزاران تن از مردم به شیکاگو شد، این جمعیت کثرت کافی برای ایجاد سازمانی دائمی جهت ادامه چنین گردهمایی های بین المللی را داشت. شورای پارلمان مذاهب جهان (CPWR) جلساتی را در سال ۱۹۹۹ در کیپ تاون آفریقای جنوبی، ترتیب داد؛ در سال ۲۰۰۴ در بارسلون، اسپانیا؛ و دوره بعدی در سال ۲۰۰۹ در استرالیا خواهد بود.

برای تعداد زیادی از مردم آمریکا، اهم اقدامات مربوط به مناسبات میان مذهبی در سطح محلی صورت می گیرد، مانند نمونه لانگ آیلند. اتفاقات زیادی در آستانه حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در نیویورک و واشنگتن افتاده است. هر چند این وقایع در بعضی جا ها به تنش های موجود میان مسلمانان و غیر مسلمانان دامن زد، این واکنش ها به هیچ وجه فراگیر نبود. در بعضی از شهرها بلافاصله بعد از حملات تروریستی - سیاتل، دنور، و واشنگتن دی سی به عنوان مثال - مسیحیان و یهودیان برای حمایت از مساجد در مقابل هجوم دشمنان و دلگرمی دادن به همسایگان و همکاران مسلمان خود، با شتاب وارد عمل شدند. در طولانی مدت، این حملات موجب شد فرقه های مختلف با یک دیگر سر صحبت را باز کنند. بسیاری از آمریکایی های مسلمان، ابتدا به ساکن و به ابتکار خود برای آشنا کردن همسایگان کنجاو با اصول اولیه اسلام، یک سلسله جلسات باز برگزار کردند - «روزهای مساجد باز».

این گرایش البته فراگیر نبود. بسیاری از آمریکایی های متدین و معتقد به باور های مختلف در این گونه رویدادها شرکت نمی کنند. برخی از آن ها رویکردی عمیقاً بدبینانه و حتی خصمانه نسبت به موضوع دارند، و معتقد هستند که تنها اعتقادات آن هاست که واقعیت مطلق دارد. آن ها معتقدند که گفتگو های مذهبی با سایر مردم اتلاف وقت و حتی بدتر از آن است. طبق متمم اول قانون اساسی آمریکا، که متضمن آزادی مذهب برای همه شهروندان است، این مردم حق کامل حمایت از باور ها و طرز تلقی خود را دارند.

اما همان طور که از گزارش پیو که در بالا به آن اشاره شد پیداست، اکثریت آمریکایی ها در مورد باور های مذهبی خود جزم اندیش نیستند. و همان طور که من در تحقیقاتم متوجه شده ام، تعداد زیادی از آنان مایل هستند که درباره باور ها و اعمال مذهبی همسایگان خود بیشتر بدانند، و برای آشنایی با این امور دوست دارند وقت خود را به آن اختصاص بدهند. بسیاری از کنجاوی خود الهام می گیرند. اما شاید بهترین زمینه برای آن در بیانات ۴۱ سال پیش پدر روحانی، مارتین لوتر کینگ جونیور باشد. یک کشیش باپتیست آمریکایی آفریقایی تبار، که به خاطر رهبری جنبش حقوق مدنی شناخته

شده است. اما نزدیک به پایان عمر خود، او با یک راهب بودایی ویتنامی طرح دوستی ریخت؛ تیک نات هان که در آن زمان طی مأموریت برای صلح، به نقاط مختلف آمریکا سفر می کرد. درخواست نات هان برای صلح و آشتی در ویتنام، مایه الهام کینگ گردید، که بعد ها نیز او را برای دریافت جایزه صلح نوبل کاندیدا کرد. در آن هنگام، کینگ مقاله ای نوشت که در آن از خوانندگان می خواست تصور کنند که نوع بشر یک «خانه جهانی بزرگ را به میراث برده است که همه ما باید در آن در کنار یک دیگر زندگی کنیم.» کینگ ساکنان آن را نام برد، یهودیان و غیر یهودیان، کاتولیک های پیرو کلیسای رم و پروتستان ها، مسلمان ها و هندو ها، و آنان را خانواده ای واحد خواند که دارای عقاید و فرهنگ چندگونه بودند که «از آن جا که ما نمی توانیم جدا از یک دیگر زندگی کنیم، باید یاد بگیریم تا بتوانیم به طریقی در کنار هم و در صلح روزگار بگذرانیم.» ■

نظرات بیان شده در این مقاله ضرورتاً منعکس کننده دیدگاه و سیاست دولت آمریکا نیست.

منابع اضافی

کتاب ها، مقالات، تارنما ها و فیلم هایی درباره اقلیت های مذهبی در ایالات متحده

کتابها

اهدر ، رکس جی و ایان لی؛
آزادی مذاهب در کشور آزادی. آکسفورد؛ نیویورک؛ انتشارات
دانشگاه آکسفورد

آلیانیز ، کترین ال؛

آمریکا: مذاهب و مذهب.
چاپ چهارم. استرالیا؛ بلمونت، کالیفرنیا: تامسون/ وادسورت
(۲۰۰۷)

آلبانیز کترین ال؛

جمهوری فکر و روح: تاریخ فرهنگی مذهب علوم معقول آمریکا.
نیو هیون، کانیتیکات: دانشگاه ییل (۲۰۰۷)

اسپوزیتو ، جان ال ، دارل ال فاشینگ و تادلویس؛

مذهب و جهانی گرایی: مذاهب جهان از دید تاریخی.
آکسفورد؛ نیویورک: انتشارات دانشگاه آکسفورد (۲۰۰۸)

جوشی ، خیاتی ی؛

*ریشه های نوین در زمین مقدس آمریکا: مذهب، نژاد و قومیت در
آمریکای بومی*.
نیویورک: نیویورک: راتگرز (۲۰۰۶)

کوکوت ، والترود ، خاکیک تولیان و کارولین آلفونسو؛

پراکندگی، ماهیت و مذهب: جهانی نوین در تئوری و تحقیقات.
لندن؛ نیویورک: راتلج (۲۰۰۴)

نیپور، گوستاو؛

ماورای مدارا: در جستجوی درک بین الادیانی در آمریکا.
نیویورک: وایکنینگ (۲۰۰۸)

وزارت امور خارجه آمریکا؛

گزارش بین المللی آزادی مذهب.
واشنگتن، دی سی: دفتر انتشارات دولت ایالات متحده آمریکا
(۲۰۰۷)

<http://www.state.gov/g/drl/rls/irf/2007/>

وان دروایر، جی. دی؛

*سخنرانی های لوون در زمینه مؤسسات مذهبی: جوامع مذهبی
و حقوق لوون: دادلی*.
ماساچوست: پیپترز (۲۰۰۴)

مقالات

دوروتی، کوین دی و کیمبرلی ر. هویزر؛

جماعت های از لحاظ نژادی پراکنده: هویت سازمانی و

همسازی اختلافات

نشریه مطالعات علمی مذهب، جلد ۴۷، شماره ۱ (۲۰۰۸)
صفحات: ۲۳- ۴۴

کیلمان ، کری؛

یک مملکت. خدایان فراوان.

تعلیم مدارا، شماره ۳۲ (پائیز ۲۰۰۷)

[http://www.tolerance.org/teach/magazine/
features.jsp?p=.&is=41&ar=851](http://www.tolerance.org/teach/magazine/features.jsp?p=.&is=41&ar=851)

اسمیت ، تام ، دابلیو؛

گونگونگی مذاهب در آمریکا: ظهور مسلمانان. بودایی ها.

هندوها و دیگران

نشریه مطالعات علمی مذهب، جلد ۴۱، شماره ۳

(سپتامبر ۲۰۰۲)

صفحات: ۵۷۷ - ۵۸۵

وکسلر، جی دی؛

آمادگی برای میدان عمومی آراسته: تعلیم در مورد مذهب.

آموزش مدنی و قانون اساسی

فصل نامه ویلیام و مری، جلد ۴۲، شماره ۳ (فوزیه ۲۰۰۲)

صفحات: ۱۱۵۹ - ۱۲۶۳

تارنماهای اینترنتی

اطلاعات آکادمیک: مذهب در آمریکا

تارنما کتاب ها، مقالات، پایگاه های اطلاعاتی و دیگر منابع

<http://www.academicinfo.net/amrelig.html>

انجمن آرشیوهای اطلاعات مذهبی (ARDA)

دانشگاه ایالتی پنسیلوانیا

اطلاعات درباره مذهب ایالات متحده و بین المللی فراهم می

کند و از این راه به گروهها ، محققان، معلمان و رسانه ها

کمک می کند.

<http://www.thearda.com>

مرکز مذهب و زندگی عمومی آمریکا بوسیسی

کالج بوستون

اجتماعی از محققان ، سیاستگذاران ، رسانه ها و رهبران

مذهبی در این مرکز به بحث و بررسی درباره مذهب و زندگی

عمومی آمریکایی می پردازند.

<http://www.bc.edu/research/boisi>

مرکز مطالعه و ترویج مدارای مذهبی بونیوک

دانشگاه رایس

مرکز بونیوک شرایطی را که منجر به صلح بادوام در میان

مردمان با مذاهب گوناگون می شود. ترویج می کند.

<http://boniuk.rice.edu>

مرکز پلورالیسم مذهبی

این مرکز به مسائل مذهبی در زندگی عموم می پردازد و درباره موارد همکاری، عدم همکاری، تبعیض و درگیری مذهبی در ایالات متحده گزارش تهیه می کند.

<http://engagedpluralism.org>

مرکز آزادی مذهبی

موسسه هادسون

آزادی مذهبی را به عنوان بخشی از سیاست خارجی ایالات متحده ترویج می کند.

<http://crf.hudson.org>

آموزش به عنوان پروژه ای دگرگون کننده

سازمانی بین المللی که تاثیر تنوع مذهب بر روی آموزش و پرورش را بررسی می کند.

<http://www.wellesley.edu/RelLife/transformation>

فوروم ۱۸

فوروم ۱۸ وسیله ای برای ترویج ماده ۱۸ "بیانیه جهانی حقوق بشر" است. تارنمای این موسسه بر گزارش کردن فعالیت های ضد آزادی مذهب تمرکز می کند.

<http://www.forum18.org>

موسسه تحقیقات مذهب هارتفورد

دانشکده الهیات هارتفورد

این موسسه تحقیقات جاری درباره مسائل مذهبی را ارائه می دهد تا درک بهتری از آنها و جامعه آگاه تری را ایجاد کند.

http://hrr.hartsem.edu/about/who_we_are.html

موسسه مذهب و زندگی عمومی پیو

یک سازمان غیر انتفاعی و بی طرف در تلاش برای درکی عمیق تر از مسائل مشترک مذهب و عموم مردم است.

<http://pewforum.org>

تحقیق چشم انداز مذهبی ایالات متحده

بر مبنای مصاحبه هایی با بیش از ۳۵۰۰۰ آمریکایی ۱۸ ساله و بالاتر، این تحقیق موسسه پیو جزئیات وابستگی مذهبی مردم آمریکا را بیان می کند.

<http://pewforum.org/docs/?DocID=1749>

پروژه پلورالیسم

دانشگاه هاروارد

این پروژه سعی دارد از طریق تحقیق، منتشر کردن و گسترش منابع به آمریکاییان کمک کند که با واقعیت ای تنوع مذهب آشنا شوند.

<http://www.pluralism.org>

مذهب و فرهنگ: رویارویی با چالش پلورالیسم

این طرح بنیاد فورد نقش سنت های مذهبی را در شکل دادن به ارزش ها و موسسات اجتماعی ارزیابی می کند.

<http://religionandpluralism.org>

مرکز تفاهم مذهبی تننبام

یک سازمان غیر مذهبی و غیر فرقه ای که جهت کاهش و جلوگیری از خشونت اعمال شده به نام مذهب فعالیت می کند.

<http://www.tanenbaum.org>

تعلیم مدارا

سازمان "تعلیم مدارا" که در سال ۱۹۹۱ توسط "مرکز قانون فقر جنوبی" تاسیس شد، سعی دارد تعصب را کاهش دهد، روابط بین گروه های مذهبی را بهبود بخشد و از شرایط برابر مدارس برای کودکان دفاع کند.

<http://www.tolerance.org/teach/magazine/features.jsp?p=0&is=41&ar=850>

فیلم ها

چشم انداز مذهبی جدید آمریکا (۲۰۰۲)

تهیه کننده: هفته نامه مذهب و اخلاقیات
خلاصه فیلم: این فیلم مستند تنوع مذهبی در ایالات متحده را به تصویر می کشد.
زمان: ۶۰ دقیقه

فداکاری یک پسر (۲۰۰۶)

تولید کننده یونی پروک، موسی سعید
خلاصه فیلم: این فیلم مستند تلاش های یک جوان مسلمان آمریکایی را برای بدست گرفتن کشتارگاه حلال پدرش در شهر نیویورک، نشان می دهد.
زمان: ۳۰ دقیقه

سیاحت در آمریکای مذهبی (۲۰۰۲)

تولید کننده: هفته نامه مذهب و اخلاقیات
خلاصه فیلم: این فیلم که بر مبنای تحقیقی درباره مدارا، اعتقادات و مراسم اعمال مذهبی در ایالات متحده ساخته شده است، اطلاعات و داستان های ویدیویی در ۴ حوزه ارائه می دهد: تنوع مذهبی، پروتستان ها، کاتولیک ها و معنویت در ایالات متحده
زمان: ۹۰ دقیقه

سه دین، یک خدا: یهودیت، مسیحیت و اسلام (۲۰۰۶)

تولید کننده شرکت آتور پروداکشنز
خلاصه فیلم: این فیلم مستند شباهت ها و تفاوت های اعتقادات مذهبی میان ادیان اسلام، مسیحیت و یهودیت را باهم مقایسه می کند.
زمان: ۱۲۰ دقیقه

برای مشاهده اسامی انگلیسی منابع نام برده شده، به بخش

تارنمای زیر مراجعه کنید Additional Resources

<http://www.america.gov/media/pdf/ejs/0808eje.pdf#popup>



America.gov
Telling America's Story

